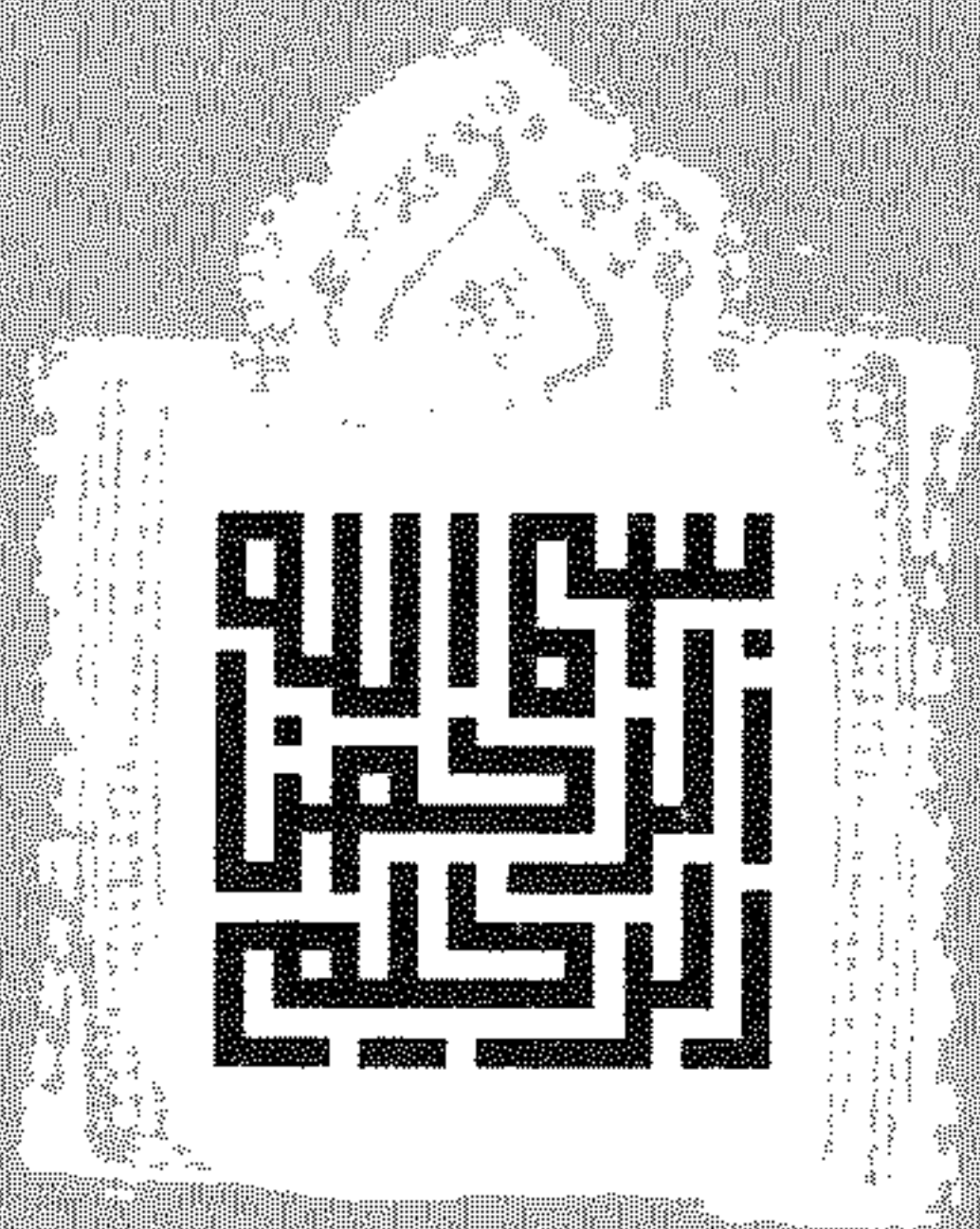




منظومه ۳۱۳ در هفت آسمان



م. آقایی







منظومه ۳۱۳ در هفت آسمان



م. آقایی

فهرست

۷ منظومه ۳۱۳ در هفت آسمان

۱۳ شکوه کعبه

۱۷ انتظار

۲۹ منتظر (از خاتم الانبیاء تا خاتم الاوصیاء)

۳۷

منتظر (عصر غیبت صغری و کبری تا انقلاب اسلامی)

۵۹

منتظر (عصر انقلاب اسلامی)

۷۱

شیعه

۷۷

پی نوشت



نیمه شب ۲۵ ذی القعدة ۱۴۴۰ (۶/۵/۱۳۹۸ ش) در خانه خدا در جایی مشرف به حجر اسماعیل و مقام ابراهیم و درب خانه خدا نشسته بودم. شبی سبک و حالی خوش و بیاد ماندنی بود. با اهل کاروان تازه دعا را تمام کرده بودیم که زمزمه‌هایی در من شکل گرفت، چند شبی بود که این احساس در من زنده شده بود. از قبل با خودم قلم و کاغذی برده بودم و همچون ابرهایی که کم‌کم متراکم می‌شد در انتظار عنایت و بارشی بودم. نگاهم مسحور عظمت خانه خدا و طواف حاجیان بود که زمزمه‌هایی آغاز شد، زمزمه‌هایی که هم‌چون قطرات باران نشان از یک بارش می‌داد و این منظومه را در هفت فراز مرتبط با هم شکل داد:

داستان از عظمت خانه خدا و رمز و راز برخی اعمال حج شروع می‌شود (یک)؛
نگاهم به تکیه‌گاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیواره کعبه و جایگاه ظهور حضرت و فریاد دعوت او می‌افتد و این‌که چرا غایب است و سر آن چیست؟ و تکلیف ما کدام است؟ و پاسخ مختصر این‌که تکلیف ما انتظار است (دو)؛
اما انتظار چیست و حقیقت آن کدام است؟ انتظار نه انفعال است و نه احتراز و نه حتی اعتراض؛ چون اعتراض بدون یک افق چشم‌انداز و وضعیت مطلوب که متناسب با اندازه‌های وجودی و عظمت انسان باشد، به همراه حاکمی آگاه به همه عوالم و هستی (امام معصوم) انتظار نیست؛ انتظار زمینه‌سازی و آمادگی است و حقیقت آن تربیت نیرو و سازندگی است. انتظار به این معنا عمل است و بهترین عمل، جهاد است و برترین جهاد (سه)؛

کار به همین جا خاتمه نمی‌یابد و باید تصویری از مصادیق و نمونه‌های عینی انتظار؛ یعنی منتظران ارائه کرد؛ منتظران و زمینه‌سازان حاکمیت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در وهله اول پیامبر صلی الله علیه و آله و دوازده وصی او یعنی ائمه معصومین؛ هستند (چهار)؛

رسم انتظار

تا عصر غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف که در این عصر با نواب خاص (عصر غیبت صغری) به مدت ۷۰ سال و پس از آن تا امروز ما (عصر غیبت کبری یا نیابت عامه) که در آن فقها به عنوان نایبان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رسالت سنگین تری دارند و با شکل گیری حوزه ها، انتظار و نیروسازی وارد مرحله جدیدی می شود (پنج)؛

تا با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی ره انتظار و آرزوی دیرینه همه انبیاء و اولیاء به ثمر نشست و با تشکیل حکومت دینی، کارآمدی دین و نظام در بوتۀ آزمون سربلند بیرون آمد و در برابر دشمن داخلی و تهاجم خارجی خوش درخشید (شش)؛

در فراز پایانی منتظر با شیعه پیوند می خورد چون در حقیقت ویژگی های منتظر راستین و تام و تمام همان ویژگی های شیعه است؛ گرچه ما کلمات را کیلویی و خرواری می کشیم اما در ادبیات دینی و روایات ما شیعه جایگاه بلندی دارد. شیعیان راستین عبارتند از: سلمان، مقداد، مالک، ابوذر، امام راحل و... (هفتم).

در نهایت منظومه با ۳۱۳ بیت در هفت آسمان یا هفت شوط (یک طواف) به پایان می رسد.



ای فروغ سادگی ای پرشکوه
ای نشان بندگی ای همچو کوه

کوه تا عرش برینی بی گزاف
جمله عالم به گردت در طواف

از جهاد و از نبات و از ملک
محوری بر آسمان و بر فلک

خلق عالم دور تو همچون نگین
صورتی باشد از آن عرش برین

این همه فتر، پرتوی از ذوالجلال
هست نورش شبی از آن جمال

این حَجَرَنَه، دست آله در زمین
بیعتی از عمق ایمان با یقین

مستجارش یادگاری از علی است
نور توحید از ولایت منجلی است

طوف ما مابین رکن است و مقام
خارج از این دو ضلال است و ظلام

ای شکوهت برده از ما عقل و هوش
عرصه طوف ملائک با سروش

گرچه از جان در ربودی دوش هوش
لیک از عشقت چشیدم نوش نوش

پرتو توحید در هر سوی تو
لا شریک له نشان کوی تو

این همه مستان که مستان تُواند
در طواف عشق حیران تُواند

مست از جام الستند و بلی
صید تو گشتند در دام بلا

زمزم و سعی و صفا و هَزْوَله
عالمی در جنب و جوش و ولولَه



رسم انتظار

هر دو چشمم خیره بر دیوار تو
تا بینم حجت بیدار تو

و آن ندایی که منم صاحب زمان
مهدی موعود منجی جهان

أُقْسِمُ بِاللَّهِ وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ
أُشْهِدُ بَكَّةَ وَ الْفَجَّ الْعَمِيقِ

چشم بینا کن تو بر جان جهان
دل منور کن به آن ماه مهان

یا رب آخر حجت آخر کجاست؟
رفتنش در پرده غیبت چراست؟

گرچه غیبت سزی از سر خداست
لیک سرالسرائین غیبت زماست

گر که غیبت حفظ حجت راسزاست
در حقیقت این نهانی هم زماست

رسم انتظار

مرد ره بودیم اگر، غیبت چرا؟
او که حاضر هست پس محنت چرا؟

توبه توبه ای خدای مهربان
وز توای قائم، توای جان جهان

عهد می بندیم تا ما زنده ایم
تا شهادت در رهت رزمنده ایم

ایها الرحمان! خدای مهربان
در گذر از غیبت صاحب زمان

غیبت او ثقلِ خورشید است و ابر
تا ظهورش نیست چاره جز به صبر

گرچه پشت ابر، نورش جاری است
پرتو گرم حضورش ساری است

گرچه ناپیدا ولی با ماست او
شاهد است و ناظر و داناست او

رسم انتظار

حاضر است او گرچه غایب از نظر
شاهد است او گرچه ناید در بصر

حاضر غایب اگر بشنیده‌ای
اوست شاهد بردل هر دیده‌ای

این همه در وصف این بیت عتیق
دُر و گوهرهای این بحر عمیق

با ولای مهدی آن سرو شُهی است
بی حضورش خانه حق هم شُهی است

هر که شناسد ورا او مرده است
از غم هجران او افسرده است

آنکه از بندش رها دل مرده شد
چون گل از شاخه جدا پژمرده شد

مهر او بر جان هر کس اُفتاد
در هوایش سربه پای او فتاد

رسم انتظار

پرتو عشقش چو در دل جا گرفت
قطره بود و جای در دریا گرفت

نیست تکلیفی به غیر انتظار
انتظار و انتظار و انتظاراً



❦ رسم انتظار ❦

انتظار آری عمل^۳ هست و جهاد^۴
نی فقط یک آه و ناله از نهاد

انتظار از افضلِ اعمال^۵ ماست
این سخن از برترین انبیاست

هم چنین گفتا جهادی برتر است
در مصاف دشمنان این افسر است

انتظار آماده باش، آمادگی است
روح آن تربیت و سازندگی است

انتظار از انفعال و احتراز
دور باشد هم ز صرفِ اعتراض^۶

اعتراض بی‌افق مطلوب نیست
هرافق بر قامت ما خوب نیست

گرچه از وضع کنونی نارضا است
آرمانش لیک تا قرب خداست

رسم انتظار

انتظار احساس با او بودن است
راه را از چاله‌ها پالودن است

انتظار امید و عشق و زندگی است
اجتناب از یأس، از افسردگی است

انتظار آینده‌ای سرزنده است
قابی از روزی خوش و پاینده است

انتظار آینه‌ای از روشناست
وعده محتوم و زیبای خداست

انتظار این است یک دنیا نگاه
چشم بر راه افق در هر پگاه

انتظار آمد جهادی بی‌امان
با دل و جان با بیان و با بنان

انتظار این است خشم دشمنان
عبریان، تکفیریان و غریبان

رسم انتظار

انتظار از جنس مردم بودن است
یعنی از نام و نشان گم بودن است

انتظار آمد ز مردم غم ببری
بر فقیران و ضعیفان قنبری

یعنی از داغ خلائق سوختن
چشم بر حال یتیمان دوختن

بار غم از شانه‌ها برداشتن
زخم همدردی به پیکر داشتن

انتظار احیای امر اولیاست
این سخن برترز سرکیمیاست

انتظار شیعه بال سبز اوست
بال سرخش کربلای پیش روست

انتظار آهنگ رزم نینواست
شور در بزم شهیدان خداست

رسم انتظار

انتظار آرام جان شیعه است
معنی اشک روان شیعه است

انتظار اندر حقیقت همچو نور
ذو مراتب و مشکک در ظهور

انبیاء و اولیاء و شیعیان
جملگی در انتظارش بی گمان

کاروان سالار این خط مصطفاست
امتدادش با علی و اولیاست

انتظار این است یک هستی سلام
سَلَم باشد در جهان ختم کلام



رسم انتظار

انتظار آمد چو در معنا تمام
لیک بی تاویل^۱ باشد ناتمام

منتظر یعنی محمد در حیات
در سلوک و در جهاد و در محامات

منتظر یعنی خدیجه باوفا
در ره احمد مواسات و صفا

منتظر یعنی ابوطالب شدن
با تقیه بر عدو غالب شدن

منتظر یعنی علی آن مرد راه
مرد خیبرها، خطابه، اشک و آه

یعنی یک فرق شکفته در پگاه
چشم در چشم نبی در هر نگاه

منتظر یعنی علی در همه
یا چوپهلوی شکسته، فاطمه

رسم انتظار

منتظریعنی که سیلی در فدک
خط سرخی روی سینه تا فلک

منتظریعنی که زهرا پشت در
در دفاع از علی گشته سپر

منتظریعنی حسن در مصلحت
دشنه‌ای برپا و صبری در جهت

منتظریعنی حسن در طشت خون
پیکری آماج تیر از خصم دون

منتظریعنی حسین و شط خون
عاشقی در دشت‌های لاله‌گون

انقلابی سرخ، مردانی ظهور
جوشش هر انقلابی تا ظهور

منتظر یعنی حسین نینوا
یا طلوعی سرخ روی نیزه‌ها

رسم انتظار

منتظر یعنی اباالفضل و وفا
دست و سردادن به شاه کربلا

منتظر یعنی چو اکبر جان فدا
پیکر صد چاک در راه خدا

منتظر یعنی که اصغر روی دست
مشت خون بر آسمان، سر روی دست

منتظر یعنی تلفی در عطش
یک سرماهی! جدا شد از تنش

منتظر یعنی که آتش در خیام
دختر بی معجری در ازدحام

منتظر یعنی دویدن روی خار
در خرابه تا سحر چشم انتظار

منتظر دریادلی چون زینب است
نور عین فاطمه زین آب است

رسم انتظار

منتظر یعنی که سجاد و دعا
امتداد کربلا بی ادعا

منتظر یعنی دو عین عالمین
بسط میراث رسول از صادقین

منتظر یعنی سجودی در سجون
مشت موسی بر سرهارون دون

منتظر یعنی رضا یعنی غریب
طشت رسوائی مأمون در فریب

منتظر یعنی چو معصومه شدن
شمس دین را ماه منظومه شدن

در جوارش حوزه برپا گشته است
آسمان در خاک قم جا گشته است

منتظر یعنی جواد ابن الرضا
هم تقی و هم رضا بر هر قضا

رسم انتظار

منتظر یعنی فراست در حصار
حفظ دین از فتنه‌های روزگار

دو ولی حق دو نور نیرین
دو امام سامرا و عسکرین

منتظر یعنی امام منتظر
چشم بر راه و نهایت در نظر

منتظر مهدی است آن صاحب زمان
ناخدای کشتی آخر زمان

منتظر بی یاد مهدی مرده است
هر دلی بی مهر او افسرده است

یاد مهدی یاد جمله اولیاست
کار او اتمام کار انبیاست

مهدی منجی، نوید انبیاست
«چونکه صد آمد نود هم پیش ماست»



منتظر یعنی چو مهدی غایب است
از برایش اصفیایی نایب است

منتظر یعنی که نُوَاب بزرگ
عصر غیبت را چونان کوه سترگ

منتظر یعنی از او نایب شدن
از برای حجت غایب شدن

چار تن^۹ از اذکیا و اتقیا
نایبانی از خواص و اصفیا

در کیاست بی رقیب و برترین
در ولایت بی نظیر و سرترین

در وکالت بس مهارت دیده‌اند
رهبر منظومه‌ای پیچیده‌اند

سازمان را یادگار صادق^{۱۰} است
کار آنان چون طبعی حاذق است

رسم انتظار

دور این نُوَاب چون فرجام شد
دوَرِ دورِ نایبان عام شد

منتظر یعنی کلینی^{۱۱} و صدوق^{۱۲}
خالق کافی و آثار شروق

منتظر یعنی چنان شیخ مفید^{۱۳}
آنکه مهدی خوانده‌اش: «اَخُّ سدید»

منتظر یعنی چو طوسی^{۱۴} مرتضی^{۱۵}
حافظان شیعه از سوء القضاء

منتظر یعنی چو بن طاووس‌ها^{۱۵}
محو در زیباترین طاووس‌ها^{۱۶}

منتظر علامه حلی^{۱۷} ماست
آیت‌اللهی برای او سزااست

منتظر یعنی شهید اولین^{۱۸}
یا شهید ثانی^{۱۹} احیای دین

منتظر یعنی چنان شیخ بها^{۲۴}
عالم دین و فنون پر بها

منتظر یعنی بحار مجلسی^{۲۵}
نور آن روشنگر هر مجلسی

منتظر استاد کل در اصول
بهبهانی^{۲۶} پیرو محض رسول

منتظر یعنی که چون بحر العلوم^{۲۷}
یاور مهدی و دریای علوم

منتظر در فقه خود پویا بود
فقه را از صاحبش جویا بود

صاحبش را صاحب «کشف الغطا»^{۲۸} است
«کاشف» فقه از رموز و از خطاست

صاحبش را آن فقیه ماهر است
چون «جواهر»^{۲۹} از فقیه باهر است

صاحب آن را چو شیخ اعظم^{۲۶} است
در اصول و فقه ماء زمزم است

منتظر را شیخ اعظم حجت است
نصب چون او پی به امر حجت است

عصر غیبت را فقیهان حجت اند^{۲۷}
حاکم شیعه به امر حضرت اند

منتظر خط اصیل حوزه هاست
مرجعیت حجت از سوی خداست

منتظر در خط سبز انبیاست
امتداد خط سرخ اولیاست

منتظر آن میر شیرازی^{۲۸} بود
حضرتش بر حکم^{۲۹} او راضی بود

حکم او آغاز بیداری خلق
از فریب و جور غربی های دلق

رسم انتظار

حُکمش ایران را همی آزاد کرد
این خراب‌آباد را آباد کرد

حکم او احیاگر این سرزمین
مجلس و مشروطه هم آثار این

هرکسی کو حکم او را می‌شنید
دیده بر مرقومه او می‌کشید

گفتن «الیوم» غوغایی نمود
رنگ غم را از دل شیعه زدود

گر نبود «الیوم» از آن ذات پاک
بی‌گمان می‌گشت ایران، هندوپاک

کِشتی ایران چو برگِل می‌نشست
کِشتی یاران مهدی می‌شکست

منتظر آخند^{۳۰} و نائینی^{۳۱} بود
ژرف‌بین و قائد دینی بود

منتظر عبدالکریم حائری^{۳۲} است
حوزه او پرفروغ و باهری است

منتظر یعنی بروجردی^{۳۳} شدن
مرجعیت را یلی چون تهمتَن

منتظر یعنی چونان سید حکیم^{۳۴}
حوزه را باهر شدن، رکن قویم

منتظر یعنی که میلانی^{۳۵} شدن
در لطافت فیض ربانی شدن

منتظر یعنی که خوانساری^{۳۶} شدن
شبه عصمت^{۳۷} را براو جاری شدن

منتظر یعنی که چون خویی^{۳۸} شدن
حوزه را اُسْطَن به نیکویی شدن

منتظر یعنی خمینی کبیر
یک ابرمرد مجاهد، بی نظیر

رسم انتظار

هم فقیه جامع و هم زاهد است
عارف کامل، برامت شاهد است

هم بصیر است و فهم است و علیم
هم حلیم است و کریم است و زعیم

در ظلام ظلم، شمس باهر است
بر گلوی ظلم، سیف شاهراست

برترین الگو برای امت است
نعمتی عظما برای ملت است

مهر می‌ورزد بسی بر مردمان
قهر او بر طاغیان این جهان

حرکت او امتداد حوزه‌هاست
انقلابی در میان عصر ماست

بیش از این از او بیاید گفتگو
چونکه دریا را نگنجد در سبو

من چه گویم شرح آن در ثمین
آنکه در پیچید تقدیر زمین

هرچه گفتم وصف آن ماه مهان
چون نظر کردم بسی بر ترز آن

منتظر یعنی که چون فاضل^{۳۹} شدن
آنچه را می گفت خود عامل شدن

منتظر آن آیت حق بهجت^{۴۰} است
در سلوک و مرجعیت حجت است

منتظر در فقه چون صافی^{۴۱} شدن
«منتخب» را در اثر «کافی» شدن

منتظر چون سیستانی^{۴۲} بودن است
جان بیدار و جهانی بودن است

منتظر یعنی چو آیات عظام
چون مکارم^{۴۳} یا که نوری^{۴۴} گرام

منتظر یعنی جوادی آملی^{۴۵}
نیست در بُستانِ بسان او گلی

منتظر یعنی که چون سیدعلی^{۴۶}
مرجعی بیدار در راه ولی

وارث امروز حوزه رهبر است
افتخارش خاک پای قنبر است

رهنمود او چنان راه امین
از برای حوزه‌ها کُهِف حصین

حوزه‌ها که مجد و عزت طالبند
چون روند این راه را پس غالبند

هر کلامی از امام و رهبری
حوزه را شد راهبرد برتری

حوزه یعنی امتداد انقلاب
دور بودن از کثی و اضطراب

رسم انتظار

حوزه‌ها چشم انتظار حجت‌اند
وارشان خط سرخ حضرت‌اند

حوزه‌ها در عصر غیبت لازم‌اند
عهده‌داران ظهور قائم‌اند

حوزه‌های منتظر راهش جداست
مقصد آن میربیدار خداست

حوزه‌ها را انقلابی لازم است
یاوران جد و نابی لازم است

حوزه‌ها را سخت باید پرشتاب
کادرسازی از برای انقلاب

انقلاب بی‌نفر خود مرده است
حوزه را این کارها برگزیده است

أَحْمَرُ الْأَعْمَالِ كار حوزوی
آفرین بر یاوران مهدوی

حوزه‌ها را در مثل سردان نه دُم
«ماهی از سرگنده گردد نی ز دُم»

حوزه‌ها را وارث پیغمبرند
وارشان جایگاه حیدرند

حوزه باشد خاستگاه انقلاب
ریشه هرچه قیام پاک و ناب

حوزه برنیکان چو آوای سروش
برکیان دشمنان قهر و خروش

حوزه‌ها آموزگار ملت‌اند
هم بشیر و هم نذیر امت‌اند

حوزه‌ها در فقه گرچه محشرند
لیک در هر علم دیگر هم سرند

حوزه‌ها در علم جامع گشته‌اند
در علوم وحی لایع گشته‌اند

منتظریعی چوفارابی^{۴۷} شدن
معدن علم و زر نابی شدن

منتظریعی چوبن سینا^{۴۸} شدن
عقل را چون گنبد مینا شدن

منتظریعی نصیرالدین^{۴۹} شدن
خواجه بر علم و کلام و دین شدن

منتظریعی که صدرایی^{۵۰} شدن
جامع اشراق و مشایب شدن

منتظر ملای سبزواری^{۵۱} است
هادی منظومه بیداری است

منتظر خلُقش چنان پیغمبر است
در سلوکش با حسین و حیدر است

منتظر ملای همدانی^{۵۲} بود
عارفی در ذات رب فانی بود

منتظر آن میر تبریزی^{۵۳} بود
در نگاهش حِدَت و تیزی بود

منتظر یعنی بهاری^{۵۴} ثمین
«تذکره» گشتن برای «متقین»

منتظر یعنی که چون قاضی^{۵۵} شدن
سالکی بر قلّه راضی شدن

منتظر آن عارف سیدجمال^{۵۶}
فانی ذات خدای ذوالجلال

منتظر چون شیخ شاه آبادی^{۵۷} است
خلق را در فقه و عرفان هادی است

منتظر یعنی میانجی احمدی^{۵۸}
عالمی عامل، فقیهی ازهدی

منتظر یعنی حسن زاده^{۵۹} شدن
با سبوی علم هم‌باده شدن

منتظر شد آیت حق حق شناس^{۶۰}
او که سرتا پاست غرق عطریاس

منتظر مأنوس با قرآن بود
هم نشین با مجمع^{۶۱} و تبیان^{۶۲} بود

منتظر خلاق المیزان^{۶۳} بود
خُلق او از دولت قرآن بود

منتظر آن حامد هندی^{۶۴} بود
در ولایت مالک^{۶۵} و کِنْدِی^{۶۶} بود

منتظر یعنی امینی^{۶۷} الغدیر
راوی بحر ولایت در غدیر

منتظر علامه حق عسکری^{۶۸} است
در دفاع از تشیع ازهری است

منتظر علامه جعفر مرتضاست^{۶۹}
«الصّحیحش» مرجع در حوزه هاست

منتظر عباس شیخ حائری^{۷۰} است
نقد تاریخش چو شمس ظاهری است

منتظر چون آمنه خاتون^{۷۱} شدن
بانوان از علم او مرهون شدن

منتظر یعنی که چون بانو امین^{۷۲}
در علوم حوزوی ماه مهین

منتظر یعنی چو خوارزمی^{۷۳} شدن
علم از او صاحب نظمی شدن

منتظر یعنی چنان رازی^{۷۴} شدن
کاروان علم را راضی شدن

منتظر یعنی ابوریحان^{۷۵} شدن
فخر دانش در همه دوران شدن

منتظر یعنی چو جرجانی^{۷۶} شدن
چون «ذخیره» فخر انسانی شدن

منتظر یعنی چو فردوسی^{۷۷} حکیم
از کلامش فرق دیوان شد دو نیم

منتظر یعنی سنائی^{۷۸} جلی
نور حق در شعراو شد منجلی

منتظر را در قصیده انوری^{۷۹} است
زهره شعرش پسند مشتری است

منتظر یعنی نظامی^{۸۰} حکیم
عطر شعرش در ولایت پر شمیم

منتظر عطار^{۸۱} عاشق پیشه است
سالک قاف و چو شیربیشه است

منتظر یعنی ولای مولوی^{۸۲}
شمس تبریزش^{۸۳} امام مهدوی

منتظر را در گلستان سعدی^{۸۴} است
بوستانش شاهکار بعدی است

منتظر یعنی غزل باران شدن
همچو حافظ^{۸۵} با سبک باران شدن

منتظر یعنی که چون جامی^{۸۶} شدن
از علی و آل او حامی شدن

منتظر یعنی که شعر محتشم^{۸۷}
مهدی از ترکیب بندش در آلم

منتظر عُمان سامانی^{۸۸} بود
شعر او از لطف ربّانی بود

منتظر طبع بلند مفتقر^{۸۹}
عالمی گشته به شعرش مفتخر

منتظر در عشق یعنی مهزیار
بهجت تبریز یعنی شهریار^{۹۰}

منتظر در شاعری یعنی شفق^{۹۱}
شعر او دیباچه^{۹۲} آیات حق

منتظر یعنی که چون میثم^{۹۳} شدن
دل به اسرار علی محرم شدن

• حوزه‌ها دین را دلیل و مرجعند
مردم و مستضعفان را ملجاند

منتظر سردار کوچک، جنگلی^{۹۴} است
رنگ سرداران دل سرخ و گلی است

منتظر یعنی که چون نوری^{۹۵} شدن
سربدار عشق چون «جوری»^{۹۶} شدن

منتظر در بسط ید لاری^{۹۷} بود
حکم دین با دست او جاری بود

منتظر یعنی مدرس^{۹۸} پرفروغ
مجلس مشروطه عاری از دروغ

منتظر یعنی که نواب^{۹۹} سدید
دست بر قرآن و دستی بر حدید

منتظر یعنی چو کاشانی^{۱۱} شدن
عزت دین فخر ایرانی شدن

منتظر یعنی سعیدی^{۱۲} لاله‌گون
همچو غفاری^{۱۳} شهیدی غرق خون

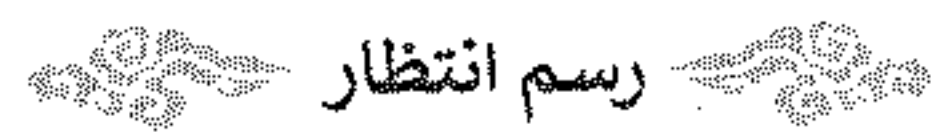
منتظر یعنی شهید مصطفی^{۱۴}
مجتبی گشتن برای مرتضی

منتظر یعنی چو کافی^{۱۵} سوختن
راه و رسم عاشقی آموختن

منتظر یعنی چنان اندرزگو^{۱۶}
با کیاست، پر صلابت، رزمجو

منتظر یعنی خطابه فلسفی^{۱۷}
در بیان دین نقی است و صفی

عالمان احیاگران حوزه‌اند
باغبان خلق در این روضه‌اند



عالمان شیعه جمله عاصمند^{۱۷}
دشمنان مردمان را قاصمند^{۱۸}



منتظر چون نورمه در ظلمت است
چلچراغی در میان امت است

منتظر یعنی اهورایی شدن
همچو باران بر همه جاری شدن

منتظر یعنی به حق گویا شدن
در طریق بندگی پویا شدن

منتظر یعنی چو آئینه شدن
تزکیه در او نهادینه شدن

منتظر چون تندراست و چون شهاب
دست بر خورشید و پای در رکاب

منتظر یعنی سه شنبه جمکران
نقطه عطف کران با بیکران

منتظر از او حکایت می‌کند
از فراق او شکایت می‌کند

منتظرا گریگویی عشق چیست؟
فاش گوید جز ظهور مهر نیست

منتظر یعنی چنان عاشق شدن
بیستون را شاهدِ صادق شدن

منتظرا رسم، رسم عاشقی است
در رکابِ تک سوارِ مشرقی است

منتظر را عهد عهدِ انتظار
عاشقی با منتظر چون مهزیار

منتظر شیدا به رسم عاشقان
شعله شمع و پَر پروانگان

منتظر یعنی که شمع آجین شدن
همچو میثم دار را آذین شدن

منتظر یعنی ز انصارش شدن
ذات و اعوان و همیارش شدن^{۱۹}

منتظر مطهری^{۱۱} در حکمت است
شاخص حکمت میان امت است

منتظر یعنی پدر فانی شدن
طالقانی^{۱۲} نور قرآنی شدن

منتظر یعنی بسیجی^{۱۳} بی نشان
در مصاف دشمنان شیرِ ثیان

منتظر یعنی بسیجی در عمل
خواه حزب اله بود یا از اَمَل

منتظر یعنی بسیجی در بصر
با ولی همراه در اوج خطر

منتظر یعنی که فهمیده^{۱۴} شدن
زیر چرخ تانک‌ها دیده شدن

منتظر یعنی چوشیرودی^{۱۵} شدن
پرزدن با کشوری^{۱۶} ها تا عَدَن

منتظر یعنی چریکی از امل
مثل چمران^{۱۱۷} مرد میدان عمل

منتظر یعنی بهشتی^{۱۱۸} در ادب
مرد میدان عدالت، شیرِ رب

منتظر عبدالکریم هاشمی^{۱۱۹} است
در حیات و در مماتش فاطمی است

منتظر یعنی که غرق خون شدن
پنج محراب خدا گلگون شدن

دستغیب^{۱۲۰} و اشرفی^{۱۲۱} قاضی^{۱۲۲} شدن
به بهشتِ وجهِ رب راضی شدن

مدنی^{۱۲۳} کردار، یک دنیا وفا
چون صدوقی،^{۱۲۴} جملگی اهل صفا

منتظر یعنی رجایی^{۱۲۵} در مثل
در اطاعت از ولی ضرب المثل

رسم انتظار

منتظر یعنی جهان آرا^{۱۳۶} شدن
جان‌پناه مردم تنها شدن

منتظر یعنی بروجردی^{۱۳۷} شدن
یا چو ابراهیم هادی^{۱۳۸} بی‌کفن

منتظر یعنی چو همت،^{۱۳۹} باقری^{۱۴۰}
یا که خرازی،^{۱۴۱} برونسی،^{۱۴۲} باکری^{۱۴۳}

منتظر یعنی که بابایی^{۱۴۴} شدن
طائر قدسی و طوبایی شدن

منتظر یعنی که ستاری^{۱۴۵} شدن
بال بر بال ملک طاری شدن

منتظر یعنی که صیادی^{۱۴۶} شدن
پرگشودن غرق آزادی شدن

منتظر یعنی چو آوینی^{۱۴۷} شدن
آرزویش در هنر، دینی شدن

منتظر یعنی صفایی^{۱۳۸} زیستن
چشمه جاری به هامون ریختن

«عین» خود بر چشم مولا دوختن
«صاد»^{۱۳۹} دین به التقاط آمیختن

منتظر یعنی شکوه یک اسیر
بوترابی‌ها^{۱۴۰} و شیران دلیر

منتظر یعنی شهید صدر^{۱۴۱} و حکیم^{۱۴۲}
هم مجاهد، هم بصیر و هم فهم

منتظر مقتوله بنت الهدی^{۱۴۳} است
چون برادر ذوب در روح خداست

منتظر در علم سلطانی^{۱۴۴} شدن
شهریاری^{۱۴۵} یا که تهرانی^{۱۴۶} شدن

منتظر مغنیه^{۱۴۷} و نصراله^{۱۴۸} است
راه پیروزی قدس حزب اله است

منتظر یعنی شهیدی چون نمر^{۱۴۹}
یا چو زکزاکی^{۱۵۰} شیخ مقتدر

منتظر مرضیه دباغ^{۱۵۱} و پاک
کوه صبرش از ثریا تا به خاک

منتظر یعنی حُججی^{۱۵۲} سر جدا
ننگ داعش، فخر مردان خدا

منتظر یعنی مدافع از حرم
پاسدار بقعه اُخت الکرّم

منتظر چون مام زین الدین^{۱۵۳} بود
آن چنان مادر که فخر دین بود

منتظر یعنی اُم و اُخت شهید
اوج صبر همسرو دُخت شهید

منتظر چون آیت اله مومن^{۱۵۴} است
او تراز هر فقیه مومن است

با ورع یک عمر زاهد زیستن
از ریا و ادعا پرهیختن

منتظر یعنی سلیمانی^{۱۵۵} شدن
همچو مالک در علی فانی شدن

یا چو اکبر مصحفی سی پاره تن
ارباباً اربا پیکری دور از وطن

منتظر یعنی ابومهدی^{۱۵۶} شدن
همچو قاسم قاصمان هرفتن

منتظر یعنی چوقاآنی^{۱۵۷} شدن
جانشین چون سلیمانی شدن

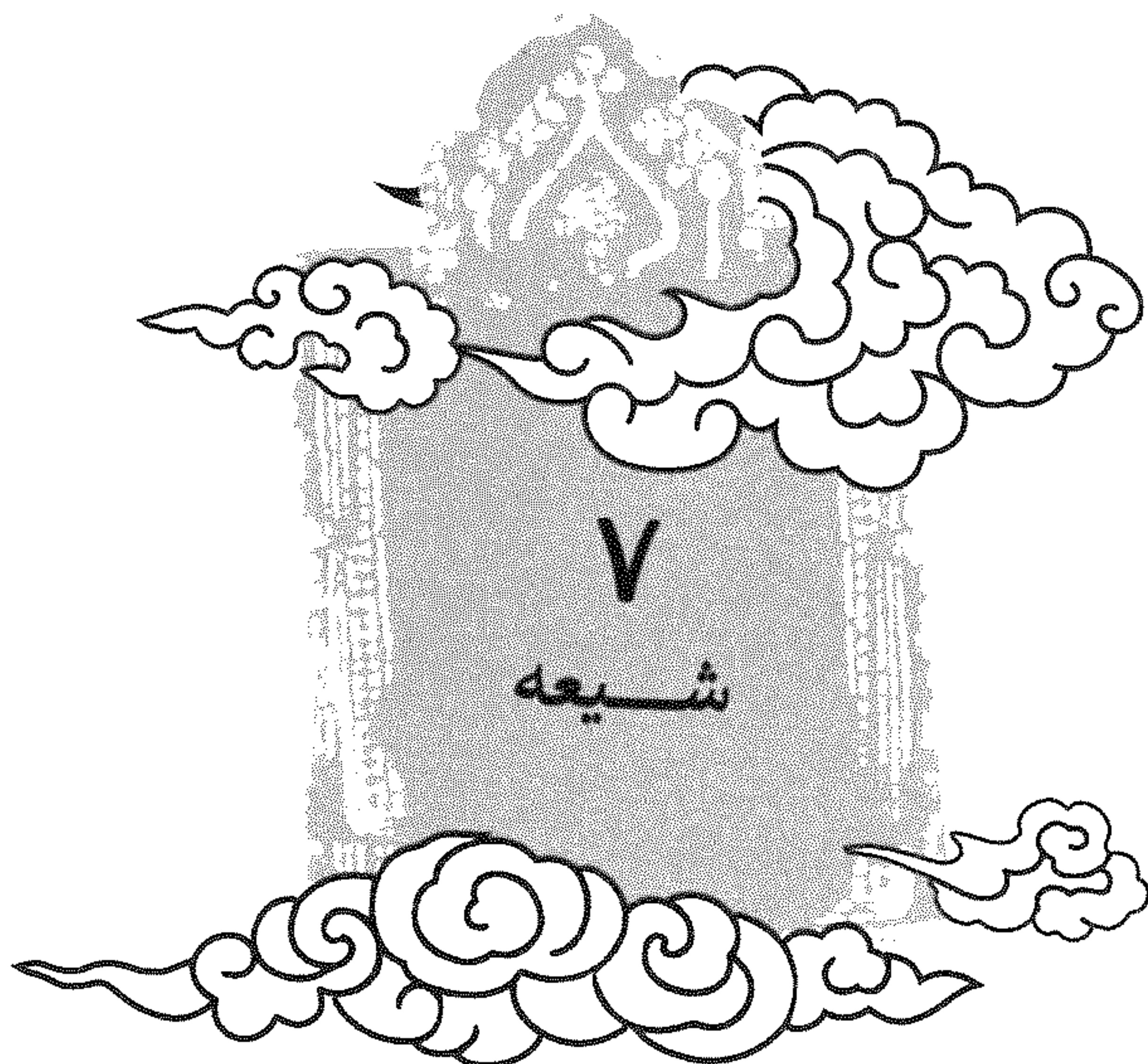
منتظر یعنی که فخری زادگی^{۱۵۸}
فخر دانش در ره آزادگی

منتظر مصباح^{۱۵۹} در هر ظلمت است
همچو عمار او چراغ ملت است

منتظری‌عنی که این خط سرفراز
هست درهای شهادت بازِ باز

منتظر یعنی بصیرت در فتن
با حسین آن‌سان که هفتاد و دوتن

منتظری‌عنی که شیعه‌ای تمام
آنچه را که خوانده مولا بر همام^{۱۶}



رسم انتظار

شیعه بودن نام سلمان^{۱۶۱} راسزاست
مالک^{۱۶۲} و مقداد^{۱۶۳} و صوحان^{۱۶۴} راسزاست

شیعه یعنی برقی شمشیر از نیام
داد مظلومان گرفتن با قیام

شیعه یعنی در صلابت چون جبل
بت شکن بر لات و عُزّی و هُبل

شیعه یعنی زهد، تقوای درون
در ستیزه با هیولای برون

شیعه یعنی با مروّت با صفا
خالی از نامردی و جور و جفا

شیعه یعنی مالکِ بر نفس خویش
زیّ دنیایش چو درویشان نه بیش

شیعه یعنی در عمل ظاهر شدن
همچو شمسِ بر همه زاهر شدن

رسم انتظار

شیعه یعنی جست هارون در تنور^{۱۶۵}
چون که مولا گفت رو اندر تنور

شیعه ناب تنوری کیمیاست
چیدن گل از میان شعله هاست

شیعه یعنی طاعت محض از ولی
پیروی از ولد زهرا و علی

شیعه یعنی باش در خط امام
تابع رهبر به هر صلح و قیام

شیعه یعنی همسفر تا کربلا
مست می گردیدن از جام بلا

شیعه یعنی رهبرش در غیبت است
نایبش روح اله پر هیبت است

بعد روح اله بود دور «امین»^{۱۶۶}
نایب مهدی دژ این سرزمین

رسم انتظار

این امین، روح الامین^{۱۶۷} امت است
همچو روح الله، جان ملت است

این دو روح آینه روح خداست
عزت ما شیعیان بی انتهاست

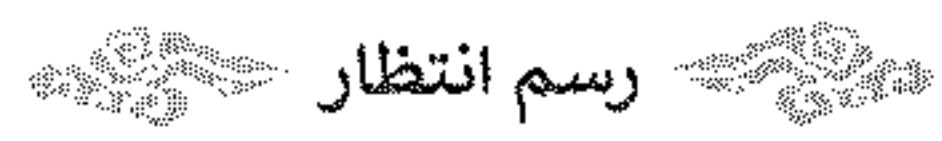
کشور ما غرق شور و نور باد
چشم بد از «شیعه خانه»^{۱۶۸} دور باد

این شهیدان اجرشان مأجور باد
با شهید کربلا محشور باد

سعی جانبازان ما مشکور باد
لشکر صاحب زمان منصور باد

چشم خصم فاطمیون^{۱۶۹} کور باد
چشم زخم از زینبیون^{۱۷۰} دور باد

مُلک شیعه از بلایا در امان!
با ولایت سرفرازی در جهان



شیعه باکش نیست از برق نیام
با ولایت تا شهادت والسلام

م. آقای

مسجد الحرام، نیمه شب

۲۵ ذی القعدة ۱۴۴۰ (۶/۵/۱۹۸۰)



۱. الظلام: اسم الظلمة (معجم مقاییس اللغة) تاریکی، سیاهی. جمع ظلمت، سیاهی ها، تاریکی ها.

۲. تکرار قافیه تعمدی است.

۳. پیامبر ﷺ: افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله (کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۴)؛ امام جواد ﷺ: افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج (همان، ص ۳۷۷).

۴. پیامبر ﷺ: افضل جهاد امتی انتظار الفرج (تحف العقول، ص ۳۷).

۵. پیامبر ﷺ: افضل الاعمال أحمزها (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۸۳؛ النهاية فی غریب الحديث والاثار، ابن اثیر، ج ۱، ص ۴۴۰).

۶. رک: تومی آی، علی صفایی خائری، قم، انتشارات لیلة القدر.

۷. تأویل یعنی مصداق.

۸. نواب اربعه به عنوان نائبان خاص امام زمان علیه السلام از سال ۲۶۰ ق تا ۳۲۹ ق واسطه بین آن حضرت و شیعیان بوده اند. اسامی آنها به ترتیب عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمی (رک: سایت ویکی فقه و ویکی شیعه). لازم به ذکر است مقصود از «همان» در دیگر پاورقی ها سایت های ویکی فقه، ویکی شیعه، دائرة المعارف اسلامی و یا برخی دیگر از سایت های معتبر است.

۹. قول تحقیق این است که سازمان وکالت از دوره امام صادق علیه السلام بنیان نهاده شد (رک: تاریخ عصر غیبت، پورسیدآقایی و دیگران، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۹).

۱۰. درگذشت: ۳۲۹ ق. محمد بن یعقوب کلینی معروف به ثقة الاسلام کلینی از محدثان مشهور شیعه و صاحب کتاب «کافی» از کتب اربعه (همان).

۱۱. درگذشت: ۳۸۱ ق. محمد بن علی ابن بابویه ملقب به شیخ صدوق صاحب «من لا یحضره الفقیه» از کتب اربعه (همان).

۱۲. درگذشت: ۴۱۳ ق. محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید متکلم و فقیه امامیه در قرن های چهارم و پنجم قمری (همان) امام مهدی علیه السلام در یکی از توقیعات خود خطاب به وی می فرماید: «لإلّاخ السدید والولی الرشید». (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷)

۱۳. درگذشت: ۴۶۰ ق. محمد بن حسن مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه از مشهورترین محدثان و فقهای شیعه و صاحب دو کتاب «التهدیب» و

«الاستبصار» از کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه. (همان)

۱۲. درگذشت: ۴۳۶ ق. علی بن حسین معروف به سید مرتضی و علم الهدی، فقیه و متکلم امامی و از شخصیت‌های پرنفوذ اجتماعی شیعه در دوره آل بویه. (همان)

۱۳. درگذشت: ۶۶۴ ق. سید علی بن موسی بن جعفر بن طاووس مشهور به سید ابن طاووس، از بزرگان علمای شیعه و نقیب شیعیان در زمان حکومت مغول بر بغداد و صاحب کتاب‌های فراوان از جمله هُوف (مقتل امام حسین علیه السلام) به سبب تقوا و مراقبه فراوان و حالات عرفانی، برخی به او «جمال العارفین» گفته‌اند. (همان)

۱۴. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «المهدی طاووس اهل الجنة». (الفردوس، دیلمی، ج ۴، ص ۲۲۲؛ الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ص ۲۹۳؛ عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، ج ۱، ص ۳۴)

۱۵. درگذشت: ۷۲۶ ق. حسن بن یوسف حلّی معروف به علامه حلّی، فقیه و متکلم بزرگ شیعه و دارای ۱۲۰ کتاب در رشته‌های مختلف علمی مثل اصول، فقه، تفسیر، منطق، کلام و رجال و اولین کسی که با لقب آیت الله خوانده شد. (همان)

۱۸. درگذشت: ۷۸۶ ق. شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین مکی عاملی مشهور به شهید اول از فقهای بزرگ شیعه و شاگرد فخرالمحققین فرزند علامه حلّی و استاد فاضل مقداد و صاحب کتاب «اللمعة الدمشقیة» و چندین کتاب دیگر در فقه شیعه. وی در فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت متبحر بود و به دست مخالفان شیعه و پس از یکسال اسارت در قلعه شام به شهادت رسید. (همان)

۱۹. درگذشت: ۹۶۶ ق. زین‌الدین علی عاملی معروف به شهید ثانی و صاحب کتاب «الروضة البیة فی شرح اللمعة الدمشقیة» و «مسالك الافهام» و بسیاری کتاب‌های گرانسنگ دیگر. وی از بزرگان و مفاخر فقهای شیعه است. (همان)

۲۰. درگذشت: ۱۰۳۱ ق. محمد بن عزالدین حسین متخلص به بهائی و معروف به شیخ بهائی و بهاء‌الدین عاملی، فقیه، محدث، حکیم و ریاضی‌دان شیعه عصر صفوی و دارای بیش از یکصد کتاب در زمینه‌های مختلف و آثار ارزشمندی در زمینه معماری همچون منارجنبان اصفهان، تقسیم آب زاینده‌رود، گنبد مسجد امام اصفهان و نقشه حصار نجف. وی مقام شیخ الاسلامی بالاترین منصب

رسمی دینی در حکومت صفویه را برعهده داشت و امام جمعه اصفهان بود.
(همان)

۲۱. درگذشت: ۱۱۱۰ق. محمدباقر بن محمدتقی مجلسی معروف به علامه مجلسی یا مجلسی دوم از محدثان و فقیهان مشهور شیعه و صاحب «بحارالانوار» دائرةالمعارف بزرگ شیعه. (همان)

۲۲. درگذشت: ۱۲۰۵ق. آیت الله محمدباقر بهبهانی معروف به وحید بهبهانی، فقیه، اصولی و از علمای بزرگ شیعه و احیاگر علم اصول و مشهور به القابی مثل استاد اکبر، استاد کل، مروج شریعت سیدالبشر، علامه ثانی و محقق ثالث. وی از مبارزان با اخباری‌گری بود. (همان)

۲۳. درگذشت: ۱۲۱۲ق. آیت الله سید محمد مهدی بحر العلوم از مراجع تقلید و عهده‌دار ریاست عامه شیعیان و متبحر در علوم مختلف چون فقه، اصول، حدیث، کلام، تفسیر و رجال و از شاگردان علامه وحید بهبهانی. لقب بحر العلوم پیش از او به کسی داده نشده بود. (همان)

۲۴. درگذشت: ۱۲۲۸ق. آیت الله جعفر بن یحیی جناجی حلی نجفی، ملقب به کاشف الغطاء یا شیخ جعفر کبیر از مراجع تقلید شیعه و صاحب کتاب معروف «کشف الغطاء». مبارزات سیاسی - اجتماعی او با وهابیان و اخباری‌ها و صدور اجازه مبارزه با روس، مشهور است. (همان)

۲۵. درگذشت: ۱۲۶۶ق. آیت الله شیخ محمد حسن نجفی جواهری معروف به صاحب جواهر از فقهای نام‌آور شیعه و صاحب کتاب «جواهر الکلام» در ۴۳ جلد دائرةالمعارف بزرگ فقه شیعه. وی ریاست مرجعیت شیعه را در عصر خود برعهده داشت. (همان)

۲۶. درگذشت: ۱۲۸۱ق. آیت الله مرتضی انصاری دزفولی معروف به شیخ انصاری از فقهای بزرگ شیعه و دارای مرجعیت عامه پس از صاحب جواهر و ملقب به خاتم الفقهاء و المجتهدین و صاحب دو کتاب گرانسنگ درسی حوزه در فقه و اصول به نام‌های مکاسب و رسائل «فرائد الاصول». (همان)

۲۷. براساس توقیع مبارک امام زمان علیه السلام «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم وأنا حجة الله عليهم» (کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۴۸۵؛ الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۹۱؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۸۴) فقها در عصر غیبت حجت بر شیعیان هستند، به عبارت دیگر شیعیان را در عصر غیبت به دست فقها سپرده‌اند و ملجاء و پناه آنان، فقهای عظام هستند.

۲۸. درگذشت: ۱۳۱۲ق. آیت‌الله سید محمدحسن میرزای شیرازی معروف به میرزای شیرازی بزرگ از بزرگ‌ترین فقها و مراجع تقلید و صاحب فتوای تحریم تنباکو که بعد از شیخ انصاری مرجعیت عامه یافت و حدود ۲۳ سال مرجع علی‌الاطلاق شیعه بود. از شاگردان او می‌توان آخوند خراسانی، سید محمدکاظم طباطبائی یزدی (صاحب عروة)، میرزا محمدتقی شیرازی، سید محمد فشارکی و حاج آقا رضا همدانی را نام برد. (همان)

۲۹. متن حکم میرزای شیرازی: «بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است.» در مورد چگونگی صدور این حکم و آثار آن رک: مقاله مدیریت امام زمان علیه السلام، پورسیدآقای، مشرق موعود، شماره ۸.

۳۰. درگذشت: ۱۳۲۹ق. آیت‌الله ملا محمدکاظم آخوند خراسانی معروف به آخوند خراسانی فقیه اصولی و از مراجع تقلید شیعه و از رهبران سیاسی مشروطه و صاحب کتاب «کفایة الاصول» از کتاب‌های درسی حوزه‌ها. (همان)

۳۱. درگذشت: ۱۳۵۵ق. آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی مشهور به میرزای نائینی از فقهای بزرگ و علمای طرفدار نهضت مشروطه و صاحب کتاب «تنبيه الامة وتنزيه الملة». (همان)

۳۲. درگذشت: ۱۳۵۵ق. آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی معروف به آیت‌الله مؤسس از مراجع تقلید و بنیانگذار و زعيم حوزه علمیه قم. (همان)

۳۳. درگذشت: ۱۳۸۰ق / ۱۳۴۰ش. آیت‌الله سیدحسین طباطبائی بروجردی از مراجع تقلید شیعه و به مدت ۱۵ سال مرجع عام شیعیان جهان و دارای نفوذ فراوان سیاسی اجتماعی و حمایت از فلسطین و تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی. (همان)

۳۴. درگذشت: ۱۳۹۰ق. آیت‌الله سیدمحسن طباطبائی حکیم از مراجع بزرگ تقلید نجف و صاحب کتاب «مستمسک العروة الوثقی» از مشهورترین کتاب‌های فقهی و «حقائق الاصول». (همان)

۳۵. درگذشت: ۱۳۵۴/۵/۱۷ش در مشهد. آیت‌الله سید محمدهادی حسینی میلانی از مراجع تقلید شیعه، احیاگر حوزه علمیه مشهد، استاد مقام معظم رهبری و دارای تألیفات متعدد در عقاید، تفسیر، فقه و اصول؛ از جمله اقدامات ایشان در احیای حوزه علمیه مشهد دعوت از آیت‌الله حاج شیخ علی فلسفی رحمته الله به مهاجرت جهت تدریس در حوزه علمیه آن دیار بود. مرحوم

آیت‌الله علی فلسفی یکی از برجسته‌ترین درس‌آموختگان مکتب نجف به شمار می‌رفت (همان) وی دارای نفسی مهذب و متخلق به اخلاق و بسیار بزرگوار موفق در تربیت شاگردان فراوان بود. این حقیر توفیق درک محضرش را داشتم. رضوان خدا بر او باد.

۳۶. درگذشت: ۱۴۰۵ق، ۱۳۶۲/۱۰/۳۰ش. آیت‌الله سیداحمد خوانساری از مراجع تقلید و از شاگردان آخوند خراسانی و ساکن تهران و مدفون در حرم حضرت معصومه علیها السلام، مشهور به پارسایی و ساده‌زیستی. (همان)

۳۷. امام خمینی؛ پس از فوت آیت‌الله خوانساری فرمودند: ایشان صاحب نفس قدسیه بودند، مرجع متقین بودند. از عصمت ایشان از من سؤال کنید شما از عدالت ایشان سؤال می‌کنید ما در عصمت ایشان شک داریم. (رک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ و برخی سایت‌های معتبر)

۳۸. درگذشت: ۱۴۱۳ش. آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی از مراجع تقلید شیعه و استوانه‌های حوزه علمیه نجف و دارای کتاب‌های متعدد در فقه و اصول و رجال و تفسیر و شاگردان فراوان. (همان)

۳۹. درگذشت: ۱۳۸۶ش. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی از مراجع بزرگ تقلید و از شاگردان ممتاز مرحوم امام خمینی؛ و از فعالان در انقلاب اسلامی و دارای کتاب‌های متعدد در فقه و اصول و شاگردان فراوان. (همان)

۴۰. درگذشت: ۱۳۸۸/۲/۲۷ش. آیت‌الله محمدتقی بهجت از مراجع تقلید و مشهور به عرفان و زهد و تقوا و حالات خوش و گریستن در نماز جماعت. وی از شاگردان مرحوم آیت‌الله غروی اصفهانی و آیت‌الله سیدعلی قاضی بود. از شاگردان او می‌توان آیت‌الله مصباح یزدی را نام برد. مرحوم امام خمینی؛ در مورد ایشان فرموده بود: «جناب آقای بهجت، دارای مقامات معنوی بسیار ممتازی هستند، ایشان دارای موت اختیاری هستند.» (همان)

۴۱. مرجع عالی‌قدر و دل‌داده امام زمان علیه السلام حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی صاحب اثر گرانسنگ «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر» که در سال ۱۳۳۲ش (۱۳۷۳ق) در یک جلد براساس روایات معتبر شیعه و اهل سنت به چاپ رسید و اخیراً (۱۳۸۰ش) در سه جلد به زبان عربی و شش جلد با ترجمه فارسی منتشر شده است.

۴۲. آیت‌الله سیدعلی حسینی سیستانی متولد ۱۳ مرداد ۱۳۰۹ در مشهد، فقیه، اصولی و از مراجع بزرگ تقلید شیعه که هم‌اکنون در نجف اقامت دارد. وی از

شاگردان ممتاز آیت الله خویی و دارای تألیفاتی در فقه و اصول است. مبارزات ایشان به ویژه فتوای تاریخی در رویارویی با داعش، نجات بخش عراق و نجف از مزدوران داعشی بود.

۴۳. آیت الله ناصر مکارم شیرازی (زاده ۱۳۰۵ ش) مرجع تقلید و استاد درس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم است. او یکی از هفت مرجع معرفی شده از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۳ ش بعد از درگذشت آیت الله محمد علی اراکی بود. از ایشان نزدیک به یکصد اثر منتشر شده است.

۴۴. آیت الله حسین نوری همدانی (متولد ۱۳۰۴ ش) مرجع تقلید و استاد درس خارج حوزه علمیه قم است که سابقه عضویت در مجلس خبرگان رهبری و امامت جمعه همدان را دارد. او از شاگردان سید محمد داماد، علامه طباطبائی، آیت الله بروجردی و امام خمینی رحمته الله علیه بوده است.

۴۵. آیت الله عبدالله جوادی آملی (۱۳۱۲ ش) فیلسوف، فقیه، مفسر قرآن، مدرس حوزه علمیه قم و از مراجع تقلید شیعه در قرن پانزدهم هجری شمس است. او از شاگردان آیت الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبائی بوده و حدود شصت سال در حوزه های علمیه قم و تهران، علوم و چون فلسفه، عرفان، فقه و تفسیر را تدریس کرده است. وی کتاب های بسیاری نوشته که تفسیر تسنیم و ریح مختوم (شرح اسفار اربعه) از جمله آنها است.

۴۶. آیت الله سید علی حسینی خامنه ای (زاده ۱۳۱۸ ش) دومین رهبر جمهوری اسلامی و از مراجع تقلید شیعه است. ایشان پیش از انتخاب به سمت رهبری در سال ۱۳۶۸ ش، دو دوره رئیس جمهور و مدتی نیز نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است. منصب امامت جمعه تهران از سوی امام خمینی؛ نیز از مناصب شرعی ایشان است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از روحانیون موثر مشهد به شمار می رفت. اندیشه های آیت الله خامنه ای در قالب مجموعه ای مفصل به نام حدیث ولایت جمع آوری شده است. کتاب های متعددی نیز به صورت موضوعی از سخنان و پیام های مکتوب وی گردآوری و منتشر شده است. چندین اثر مکتوب شامل تالیف و ترجمه از وی منتشر شده که طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن مفصل ترین کتاب، و صلح امام حسن مشهورترین ترجمه ایشان است. مخالفت صریح با قه زنی و برخی

شکل‌های عزاداری، و تحریم توهین به مقدسات اهل سنت از فتاوی معروف و مؤثر ایشان در جهان اسلام به شمار می‌رود. اصطلاحات تهاجم فرهنگی، بیداری اسلامی و اقتصاد مقاومتی از مفاهیمی است که در پی سخنرانی‌ها و تاکیدهای ایشان وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران شده است. آیت‌الله خامنه‌ای علاقمند به ادبیات است و با سبک‌های ادبی آشناست. وی اشعاری نیز سروده و تخلص «امین» را برگزیده است. مطالعه کتب معتبر تاریخی بخشی از برنامه مطالعاتی دائمی ایشان است، به طوری که به مباحث و موضوعات تاریخ معاصر احاطه دارند. (همان)

۲۷. درگذشت: ۳۳۹ ق. ابونصر محمد فارابی ملقب به معلم ثانی بزرگ‌ترین فلاسفه و دانشمندان مسلمان ایرانی. در مورد مذهب فارابی اختلاف نظر وجود دارد. برخی از تاریخ‌شناسان معتقدند او سنی بوده اما اجماع بر شیعه بودن او است. سید محسن امین عاملی می‌گوید: فارابی اولین فیلسوف در اسلام است و بعضی از معاصران گفته‌اند که فارابی با هیچ کس ارتباط نداشت مگر با اهل فضل از شیعیان به خاطر جامعیت عقیده و مذهب. و گفته‌اند که هرکس درباره فارابی تأمل کند، درمی‌یابد که او از امامیه عدلیه و قائلان به عضویت ائمه: است. نجار فوزی معتقد است که فلسفه سیاسی فارابی تحت تأثیر شیعیان قرار گرفته است. (همان)

۴۸. درگذشت: ۴۲۸ ق. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا معروف به ابوعلی سینا و ملقب به شیخ الرئیس بزرگ‌ترین فیلسوف مشایی و پزشک نامدار ایران و جهان اسلام و دارای آثار گرانسنگی همچون شفا (در فلسفه)، قانون (در طب)، دانشنامه علایی و رساله‌های بسیار به عربی و فارسی. وی در خانواده‌ای شیعی مذهب در بلخ بدنیا آمد و خود نیز مسلمان و قائل به مذهب تشیع بوده است. (همان)

۴۹. درگذشت: ۶۷۲ ق. ابوجعفر محمد بن محمد بن حسن طوسی معروف به خواجه نصیرالدین طوسی، محقق طوسی، معلم ثالث، حکیم و متکلم، ریاضی‌دان و منجم و ملقب به استاد البشر و عقل حادی عشر، افضل علما، همتای ابن سینا، عقل سینایی و... و مؤلف کتاب‌ها در رساله‌های بسیاری در علوم اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، ریاضیات و نجوم. وی احیاگر فلسفه و مبتکر روش فلسفی در کلام شیعه است. برخی از علمای بزرگ شیعه که شاگرد او بوده‌اند عبارتند از علامه حلی، ابن میثم بحرانی و قطب‌الدین شیرازی.

شواهد زیادی مبنی بر شیعه اثنی عشری بودن او در دست است. (همان)
 ۵۰. درگذشت: ۱۰۵۰ق. صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی مشهور به ملا صدرا فیلسوف، عارف شیعی و بنیانگذار مکتب فلسفی حکمت متعالیه به عنوان سومین مکتب فلسفی در جهان اسلام. وی به صدرالحکما و صدرالمجاهدین نیز معروف است. مهم ترین کتاب وی «الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة» معروف به اسفار است. (همان)

۵۱. درگذشت: ۱۲۸۹ق. ملاهادی سبزواری ملقب به حکیم سبزواری و حاجی سبزواری حکیم، عارف و شاعر شیعی عصر قاجار و بزرگ ترین فیلسوف قرن سیزدهم و صاحب کتاب «منظومه» یک دوره کامل منطق و فلسفه به نظم و بسیاری از کتاب ها. (همان)

۵۲. درگذشت: ۱۳۱۱ق. ملا حسینقلی همدانی عارف و فقیه شیعی که بگفته سید محسن امین، در میان معاصرانش برای او در علم اخلاق و تهذیب نفوس نظیری نمی توان یافت. وی شاگردان زیادی را تربیت کرد که گفته شده حدود سیصد نفر بوده است که از جمله آنها میرزا جواد ملکی تبریزی، شیخ محمد بهاری، سید احمد کربلایی، سید محسن امین عاملی، میرزا محمد حسین نائینی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی است. شیوه سلوک ملا حسینقلی مبتنی بر معرفت نفس، التزام به مراقبه و اهتمام ورزیدن در مراتب چهارگانه آن است. آقا بزرگ تهرانی او را بر روش و طریقه سید ابن طاووس دانسته است. (همان)
 ۵۳. درگذشت: ۱۳۴۳ق، ۱۳۰۴/۳/۳۱ش. آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی، فقیه، عارف، استاد اخلاق و صاحب کتاب «المراقبات» و «اسرار الصلوة» و از شاگردان ملا حسینقلی همدانی. (همان)

۵۴. درگذشت: ۱۳۲۵ق / ۱۲۸۶ش. آیت الله محمد بهاری همدانی صاحب «تذکرة المتقین» و از شاگردان ممتاز ملا حسینقلی همدانی و مدفون در شهر بهار همدان، مرقد وی در میان ۱۶۰ تن از شهدای انقلاب اسلامی زیارتگاه مردم است. (همان)

۵۵. درگذشت: ۱۳۲۵/۱۰/۸ش. آیت الله سید علی قاضی طباطبائی، فقیه، حکیم و عارف بزرگ شیعه و استاد علامه طباطبائی، آیت الله بهجت و...؛ مدفون در وادی السلام نجف. (همان)

۵۶. درگذشت: ۱۳۷۳/۳/۵ش. آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی مرجع تقلید و از عرفای شیعه. (همان)

۵۷. درگذشت: ۱۳۲۸ ش. آیت الله محمد علی شاه آبادی فقیه، عارف و فیلسوف شیعی و از اساتید اخلاق و عرفان در حوزه علمیه قم و تهران و استاد امام خمینی؛ و مدفون در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام. (همان)
۵۸. درگذشت: ۱۳۷۹/۶/۲۱ ش. آیت الله میرزا علی احمدی میانجی از فقها و اساتید اخلاق حوزه علمیه قم و شاگرد علامه طباطبائی و دارای تألیفات متعدد و مدفون در حرم حضرت معصومه علیه السلام. (همان)
۵۹. آیت الله علامه حسن زاده آملی فیلسوف و عارف شیعه از شاگردان ممتاز علامه طباطبائی و دارای تألیفات فراوان. (همان)
۶۰. درگذشت: ۱۳۸۶/۵/۱ ش. آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس از عارفان و اساتید اخلاق در تهران و مدفون در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام. (همان)
۶۱. درگذشت: ۵۴۸ ق. تفسیر مجمع البیان از ابوعلی فضل بن حسن طبرسی مفسر بزرگ شیعی. (همان)
۶۲. درگذشت: ۴۶۰ ق. تفسیر تبیان از محمد بن حسن طوسی مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه در ده جلد. (همان)
۶۳. درگذشت: ۱۳۶۰ ش. تفسیر المیزان از علامه سید محمد حسین طباطبائی مفسر، فیلسوف، اصولی، فقیه، عارف و اسلام شناس و مدفون در حرم حضرت معصومه علیه السلام. (همان)
۶۴. درگذشت: ۱۸ صفر ۱۳۰۶ ق. علامه میرحامد حسین هندی صاحب دائرة المعارف بزرگ «عبقات الانوار» که با هدف اثبات امامت و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده است. (همان)
۶۵. مالک اشتر از خواص امیرالمؤمنین علیه السلام. حضرت در مورد او فرموده است: «رحم الله مالکاً فلقد کان لی کما کنت لرسول الله صلی الله علیه و آله» (شرح نهج البلاغه ابن حدید، ج ۲، ص ۲۱۴؛ ج ۱۵، ص ۹۸) برای اطلاع بیشتر از شخصیت مالک اشتر رک: پی نوشت شماره ۱۶۱.
۶۶. مقصود حُجربن عدی و مقداد بن اسود از خواص یاران امیرالمؤمنین علیه السلام است که هر دو از قبیله کنده بودند. البته حُجربن الاصاله و مقداد بالولاء. (رک: رجال طوسی، ص ۶۰ و ۸۱)
۶۷. درگذشت: ۱۳۴۹/۴/۱۲ ش؛ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۹۰ ق. علامه عبدالحسین امینی فقیه، محدث، متکلم، مورخ نسخه شناس و از علمای بزرگ شیعه و صاحب دائرة المعارف بزرگ «الغدير» و مدفون در کتابخانه شخصی اش بنام

کتابخانه امیرالمؤمنین (ع). (همان)

۶۸. درگذشت: ۴ رمضان ۱۴۲۸ ق، ۱۳۸۶/۶/۲۵ ش. علامه سیدمرتضی عسکری سیره‌نگار، مورخ و محقق برجسته شیعی و دارای کتاب‌های متعدد در دفاع از شیعه از جمله «عبدالله بن سباء» و «معالم المدرستین». (همان)

۶۹. درگذشت: ۲۷ صفر ۱۴۴۱ ق. علامه سیدجعفر مرتضی عالم دینی و متخصص تاریخ اسلام و تشیع و صاحب «الصحیح من سیرة النبی الاعظم» (جلد ۳۵) و «الصحیح من سیرة الامام علی (ع)» (جلد ۵۳) و بسیاری کتاب‌های فاخر دیگر. (همان)

۷۰. آیت‌الله علامه شیخ عباس صفایی حائری فرزند آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی صفایی حائری و پدر آیت‌الله حاج شیخ علی صفایی (عین - صاد) از فقها و علمای بزرگ شیعه در قرن معاصر است. نوشته‌های او در فقه و اصول و رجال و عقاید و تاریخ و... بسیار عمیق و فقیهانه است. کتاب‌های تاریخی او در شخصیت پیامبر (ص) (جلد ۳)، امیرالمؤمنین (ع) (جلد ۲) و سیدالشهدا (ع) (جلد ۱) که توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده در نوع خود کم‌نظیر و بسیار عالمانه و تحلیلی است. وی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۴ ش درگذشت و در قبرستان بقیع قم به خاک سپرده شد. برای آگاهی از زندگی و کتاب‌های ایشان مراجعه کنید به مقدمه کتاب «افکار و آمال»، آیت‌الله حاج شیخ عباس صفایی حائری قی، انتشارات لیلة القدر، قم، ۱۳۹۹ ش.

۷۱. درگذشت: ۱۰۸۱ ق. آمنه بیگم یا آمنه خاتون مجلسی، دختر محمدتقی مجلسی و خواهر علامه محمدباقر مجلسی و همسر ملا صالح مازندرانی و از زنان عالمه و فقیهه شیعه است. (همان)

۷۲. درگذشت: ۱۴۰۳ ق / ۱۳۶۲ ش. سیده نصرت بیگم امین معروف به بانو امین، فقیه، عارف و مفسر زن شیعه اهل اصفهان، محل دفن او تحت فولاد اصفهان است. (همان)

۷۳. درگذشت: ۲۳۵ ق. محمدبن موسی خوارزمی (حدود ۱۶۴ تا ۲۳۵ هجری)، ریاضیدان و ستاره‌شناس مسلمان ایرانی، در قرن سوم هجری است. شهرت علمی وی مربوط به کارهایی است که در ریاضیات مخصوصاً در رشته «جبر» انجام داده، به طوری که هیچ یک از ریاضیدانان قرون وسطی مانند وی در علم ریاضی تأثیر نداشته‌اند. شایان یادآوری است در آثار خوارزمی نشانه‌ای

دال بر تعلق خاطر او به اهل سنت نمی توان یافت، بر همین اساس آقابزرگ تهرانی (الذریعه، ج ۵، ص ۸۷) او را از دانشمندان شیعه دانسته است (رک: نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، دکتر ولایتی، ص ۱۰۶). گفتنی است خوارزمی در مقدمه کتاب «جبر و مقابله» خود به روش شیعه بر پیامبر و آلش درود می فرستد: «پروردگار ما بزرگوارتر و برتر از اندیشه، نام هایش ستوده است و جز او خدایی نیست، خدای بر محمد پیامبر و خاندانش درود فرستد». ۷۲. درگذشت: ۳۰۴/۸/۹ ش، ۵ شعبان ۳۱۳ ق. محمد زکریای رازی پزشک، فیلسوف و شیمی دان ایرانی و کاشف الكل، اسید سولفوریک و نفت سفید و دارای آثاری در کیمیا شناسی، منطق و ریاضیات در مورد شیعه بودن زکریای رازی. (رک: ویکی پدیا)

۷۵. درگذشت: ۴۴۰ ق. ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ق) دانشمند بزرگ، ریاضیدان، ستاره شناس و تاریخ نگار سده چهارم و پنجم هجری ایران است. از آثار او مهم او می توان آثار الباقیه، التفهیم و قانون مسعودی را نام برد؛ ابوریحان فهرست کتاب های خود را تا سال ۴۲۷ یعنی ۶۵ سالگی اش، یکصد و سیزده نسخه شمرده است. بیرونی در آثار الباقیه که مربوط به نخستین دوران فعالیت علمی اوست پس از ذکر نام حضرت علی (ع) و خاندان پیامبر (ص) از عبارت های دعایی معمول بین شیعیان استفاده نموده است که نشان از شیعه بودن او دارد. دلبستگی او به ائمه شیعه بخصوص هنگام ذکر تفصیل واقعه و مراسم عاشورا و غدیر خم و واقعه مباحله آشکار می شود. (همان)

۷۶. درگذشت: ۵۳۱ ق. اسماعیل بن حسین جرجانی، پزشک بزرگ شیعه و نویسنده ایرانی، قرن ۵ و ۶ که آثار پزشکی مهمی به زبان فارسی تألیف کرد. مهم ترین اثر او «ذخیره خوارزمشاهی» است. این دائرة المعارف بزرگ طبی از کتب پایه و جامع در پزشکی سنتی امروز است. این کتاب دارای ۷۵ باب و ۱۱۰۷ فصل و ۷۵۰۰۰۰ واژه در نه کتاب و یک تتمه است. (همان)

۷۷. درگذشت: ۴۱۶ ق. در مورد شیعه دوازده امامی بودن فردوسی رک: (همان)

۷۸. درگذشت: ۵۲۵ یا ۵۳۵ یا ۵۴۵ ق. سنائی در برخی از اشعارش از اهل بیت سخن گفته و آنان را مدح کرده است؛ از این رو برخی او را شیعه دانسته اند. مدرس تبریزی در «ریحانة الادب» و شیخ عباس قمی در «الکافی و الالقباب» و افندی در «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء» او را شیعه می دانند که تقیه می کرده است. سنائی در اشعاری که مذهب خود را بیان می کند امام

علی علیه السلام را مدینه العلم خوانده و از غضب حق فاطمه زهرا علیها السلام (ماجرای فدک) سخن گفته و به حدیث ثقلین اشاره کرده و اعتقاد به مذهب جعفری را لازم دانسته است. قدیمی ترین قصیده فارسی موجود در مدح امام رضا علیه السلام متعلق به سنایی است. مولوی، سنایی را حکیم نامیده و از او تأثیر پذیرفته است. (همان)

۷۹. درگذشت: ۵۷۵ ق. انوری در مدرسه منصوریه طوس علوم عقلی و نقلی را آموخت و در علوم گوناگون به کمال رسید. افزون بر آن در حکمت، فلسفه و ریاضیات نیز سرآمد دوران شد. (رک: سایت مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی). مذهب انوری به گفته قاضی نورالله شوشتری و برخی دیگر، شیعه دوازده امامی است. (همان)

۸۰. درگذشت: ۶۱۴ ق. در مورد شیعه بودن نظامی، مولوی، حافظ، سعدی، جامی رک: سایت حوزه نیوز (خبرگزاری رسمی حوزه) مصاحبه با دکتر ولایتی، ۱۴۰۰/۶/۱۸ و نیز برخی دیگر از سایت ها و مقالات معتبر. در رابطه با پژوهشی در مذهب حافظ و نقل اقوال مختلف و اثبات تشیع او رک: حافظ و مهدویت، مجتبی معظمی، ص ۱۰۰-۱۱۵، انتشارات آسمان آبی، ۱۳۸۰ ش.

۸۱. درگذشت: ۶۲۷ ق. اشعار او در مدح حضرت علی علیه السلام و اهل بیت: موجب شده کسانی وی را شیعه بدانند (فاضلی، اندیشه های عطار، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۳۱) تا جایی که قاضی نورالله شوشتری، عطار را شیعه ای خالص دانسته است. (فروزانفر، شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، ۱۳۵۳ ش، ص ۵۷) (همان)

۸۲. درگذشت: ۶۷۲ ق. شایان یادآوری است که علامه امینی نیز مولوی را از جمله شعرای بزرگ و عارفان شیعه می داند که در وصف امیرالمؤمنین علیه السلام شعر سروده اند: «وقد نظم هذه الأثارة كثيرون من أعلام الشيعة الفطاحل وشعرائها الأفاضل نظراء: السيد الحميري المتوفى ۱۷۳ و... المولى الرومي العارف الشهير المتوفى ۶۷۲ و...» (الغدیر، ج ۶، ص ۲۸)

۸۳. برای اطلاع از دلایل اینکه شمس تبریزی در اشعار مولوی همان امام زمان علیه السلام است. (رک: شمس در اشعار مولانا، آیت الله محسن اراکی، کیهان فرهنگی، شماره های ۱۹۲-۱۹۳، مهر و آبان ۱۳۸۱)

۸۴. درگذشت: ۶۹۰ ق. (برای آگاهی بیشتر رک: همان)

۸۵. درگذشت: ۷۶۹ق. در رابطه با حافظ و محتشم و مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (معروف به کمپانی) حکایتی شنیدنی است که ذکر آن در اینجا خالی از فایده نیست. حجت الاسلام حسن فتح الله پور به نقل از فرد موثق چنین نقل می کند: روزی نزد عارف وارسته ای شرفیاب شدم پس از یقین به صحت گفتارش و درک این که به نزد حضرت تشریفاتی دارد از او سؤال الاتی کردم که بسیار دقیق و پخته پاسخ گفت، در حالی که با دروس حوزوی و مباحث فقهی و فلسفی آشنایی نداشت ولی به قدری بیانش بلند و عالی بود که مرا سخت شیفته خویش ساخت؛ قسمتی از سؤال و جواب هایم که قابل طرح کردن است، این بود: از او پرسیدم: شما که در ایام محرم گاه به محضر حضرت تشرف می یابید، به هنگام عزاداری آن وجود مقدس از کدامین اشعار بیشترین استقبال را می نمایند.

فرمود: اشعار مرحوم کمپانی! هنگامی که در مجلس آن حضرت، اشعار او خوانده می شود طوفانی سخت وجود آن حضرت را فرا می گیرد و او به شدت می گیرد! باز پرسیدم از دیگر اشعار مورد توجه آن حضرت کدام است؟ او فرمود: اشعار محتشم کاشانی، اشعار فرزندق و اشعار حافظ! با تعجب و حیرت پرسیدم: حافظ!

او فرمود: آری حافظ، او شیعه ای خالص بوده است بجز چند غزل او تمامی اشعارش پیرامون حضرت بقیه الله اعظم علیه السلام است! کسانی که به شرح اشعار حافظ پرداخته اند عرفان او را عرفان الوهی پنداشته اند در حالی که عرفان حافظ عرفان مهدوی است. مخاطب اصلی کلمات حافظ، شخص حضرت بقیه الله اعظم علیه السلام است و نه خداوند، چرا که او خدا را از طریق حضرت بقیه الله می شناخت... (شمیم عرش، عباس فتح الله پور، ج ۱، ص ۳؛

نیز ر. ک: سایت <http://marefateyar.blogfa.com>)

۸۶. درگذشت: ۸۹۸ق. (برای آگاهی بیشتر ر. ک: همان)

۸۷. درگذشت: ۹۹۶ق. (برای آگاهی بیشتر ر. ک: همان)

۸۸. درگذشت: ۱۳۳۲ق. (برای آگاهی بیشتر ر. ک: همان)

۸۹. درگذشت: ۱۳۶۱ق. «مفتقر» تخلص شعری آیت الله محمدحسین غروی اصفهانی، فقیه، حکیم، عارف، شاعر و از علماء و مجتهدان بنام شیعه و استوانه های اصولی آن است. دیوان او در مدح و رشای اهل بیت: مشهور است. (همان)

۹۰. درگذشت: ۱۳۶۷/۶/۲۷. (برای آگاهی بیشتر رک: همان)
۹۱. درگذشت: ۱۳۸۶/۵/۲۹، «شفق» تخلص شعری آیت الله محمدحسین بهجتی اردکانی از شاگردان امام خمینی؛ و امام جمعه اردکان یزد و از نخستین شاعران انقلاب اسلامی. شعر معروف «هرچه که بیند دیده / خدایش آفریده» در کتاب های دبستانی، سروده اوست (رک: ویکی فقه). لازم به ذکر است که «شفق» تخلص شاعر بزرگ آئینی معاصر خراسان استاد محمدجواد غفورزاده نیز هست. اما از آنجا که این منظومه به شعرای روحانی و یا دارای سابقه تحصیل در حوزه پرداخته از آوردن ایشان اجتناب شد.
۹۲. دیباچه: روی و رخساره (فرهنگ عمید).
۹۳. میثم تخلص شاعر آئینی معاصر غلامرضا سازگار است. (برای آگاهی بیشتر رک: همان)
۹۴. درگذشت: ۱۳۰۰/۹/۱۱. میرزا یونس مشهور به میرزا کوچک خان جنگلی یا سردار جنگل، رهبر جنبش جنگل. وی در حوزه های رشت و تهران درس خواند و بنابر نقل رضا مظفری در کتاب «مشاهیر گیلان» او در آستانه نیل به مقام اجتهاد بود که تحولات ایران آن زمان مسیر زندگی اش را تغییر داد. (همان)
۹۵. شهید آیت الله شیخ فضل الله نوری، شهادت (اعدام): ۱۲۸۸/۵/۹. وی متولد ۱۲۵۹ ق، فقیه و عالم مجاهد شیعه در قرن ۱۴ قمری و از شاگردان میرزای شیرازی بود. وی نقش مؤثری در پیروزی جنبش مشروطه در ایران داشت و معتقد بود که قانون اساسی و دیگر قوانین حقوقی و جزایی باید مطابق قوانین اسلام باشد، به همین دلیل بر عنوان «مشروطه مشروعه» تأکید می کرد. شیخ فضل الله سرانجام پس از دوره استبداد صغیر و فتح تهران به دست مشروطه خواهان، در دادگاهی محاکمه و اعدام شد. (همان)
۹۶. شهادت: ۷۴۳ ق. عالم مبارز حسن جوری معروف به شیخ حسن جوری یکی از رهبران روحانی قیام سربداران در سده هشتم هجری در منطقه خراسان و از شاگردان خلیفه مازندرانی. مبانی اندیشه وی باور به تشیع دوازده امامی، و جهان بینی مهدویت، جدایی ناپذیری دین و مبارزه با ظلم و ستم بود. او به ایران و مردمان ایران خدمت بسیار بزرگی کرد و دست مغولان را پس از ۱۲۰ سال از بخش های شرقی و مرکزی از ایران کوتاه کرد و اولین حکومت مردمی شیعه دوازده امامی را در سبزوار پایه گذاری کرد. او زاده روستای جور از توابع نیشابور بود و مدت هفت تا هشت سال در مدارس زادگاه خویش به تحصیل

علوم دینی پرداخت و سپس برای آگاهی از حقیقت، آموزه‌های ائمه فِرَق را فرا گرفت و از اختلاف نظرها و اعتقادات آنان آگاه شد و به مقام استادی رسید. (همان)

۹۷. درگذشت: ۱۳۰۳ ش. آیت‌الله سید عبدالحسین لاری از فقهای شیعه در منطقه فارس و طرفدار مشروطه مشروعه و صاحب حکم جهاد بر علیه انگلیسی‌ها. وی در منطقه لارستان، اقتدار منطقه را بدست گرفت و حکومت اسلامی تشکیل داد و احکام اسلامی را اجرا کرد. او امر به معروف و نماز جمعه را واجب عینی می‌دانست و خود نماز جمعه اقامه می‌کرد. وی از شاگردان ملا حسینقلی همدانی و میرزای شیرازی بود. (همان)

۹۸. شهادت: ۱۳۱۶ ش. آیت‌الله سید حسن مدرس فقیه و سیاستمدار شیعی که بدستور رضا خان تبعید و به شهادت رسید. روز شهادت او (۱۰ آذر) روز مجلس نامگذاری شده است. وی متولد ۱۲۷۸ ق، فقیه مجاهد شیعه در قرن چهاردهم هجری و از شاگردان آخوند کاشانی است. شهید مدرس در دوره دوم مجلس شورای ملی از سوی فقها و مراجع تقلید، به عنوان مجتهد طراز اول برگزیده شد تا به همراه چهار نفر از مجتهدان دیگر به مجلس رفته و بر قوانین مصوب آن نظارت داشته باشد. او در راه اعتلای اسلام و دفاع از معارف تشیع، مردانه استوار ماند و لحظه‌ای با استبداد و استعمار سازش نکرد و سرانجام در همین راه به شهادت رسید. (همان)

۹۹. شهید حجت‌الاسلام سید مجتبی نواب صفوی، شهادت: ۱۳۳۴/۱۰/۲۷. وی متولد ۱۳۰۳ ش، از روحانیان مبارز قبل از انقلاب اسلامی ایران، بنیان‌گذار و رهبر جمعیت فدائیان اسلام و از پیشتازان مبارزه مسلحانه علیه حکومت پهلوی بود. نواب تحصیلات در علوم حوزوی و علوم جدید را نزد اساتیدی همچون علامه امینی، آیت‌الله سید حسین طباطبائی قمی و ... در قم و نجف گذراند. فدائیان اسلام را با هدف اجرای احکام اسلام، تشکیل حکومت اسلامی، جهانی‌سازی اسلام، مبارزه با نظام سلطنت و مخالفت با اساس رژیم پهلوی تاسیس کرد. وی معتقد بود اصلاح را در دو سطح بالای جامعه یعنی حکومت و مردم باید انجام داد و آگاه ساختن مردم نسبت به مسائل اسلامی اولین گام در این راه است. وی با اعتقادات ضد شیعی احمد کسروی مبارزه کرد و در نهایت حکم ارتداد را در مورد وی اجرا کرد. از فعالیت‌های مهم ضد استبدادی و ضد استعماری نواب می‌توان از

همدردی با مردم فلسطین طی اشغال اراضی و تشکیل دولت اسرائیل، شرکت در کنگره بین‌المللی فلسطین در اردن و سخنرانی وی مبنی براسلامی خواندن مساله فلسطین نه عربی بودن آن، ملاقات با شاه حسین و دعوت وی به اجرای اسلام، رفتن به مصر به دعوت اخوان المسلمین، سفر به چند کشور عربی لبنان، سوریه، عراق، تلاش برای ایجاد وحدت اسلامی و ... نام برد. نواب صفوی سرانجام در سن ۳۱ سالگی در پی ترور حسین علاء، توسط رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد و پس از دو ماه شکنجه در ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ ش به شهادت رسید. (همان)

۱۰۰. درگذشت: ۱۳۴۰ ش. سید ابوالقاسم کاشانی (۱۲۶۴-۱۳۴۰ ش)، مشهور به آیت‌الله کاشانی، فقیه برجسته، مجتهد و سیاست‌مدار ضد استعمار و مجاهد در قرن چهاردهم هجری قمری در ایران بود. وی در مدت حضور در عراق نیز مبارزات ضد استعماری خود را ادامه داد و نقش ویژه‌ای در انقلاب ۱۹۲۰ عراق ایفا نمود. ایشان در سال ۱۲۹۹ ش از عراق به تهران مهاجرت کرد و به همراه محمد مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت تلاش و در نهایت نفت ایران را ملی کردند. آیت‌الله کاشانی از مسائل جهان اسلام نیز غافل نبود و در جهت حمایت از مرده فلسطین، مصر، اندونزی و تونس اعلامه‌هایی صادر کرد. ایشان در نهایت در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی از دنیا رفت و در حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. (همان)

۱۰۱. شهید آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی، شهادت: ۱۳۴۹/۳/۲۰. وی متولد ۱۳۰۸ ش روحانی شیعی و از مبارزان سیاسی انقلاب اسلامی بود. وی از حامیان امام خمینی؛ در مبارزه با حکومت پهلوی بود که دستگیر، زندانی و شکنجه شد و در نهایت به شهادت رسید. (همان)

۱۰۲. شهید آیت‌الله حسین غفاری، شهادت: ۱۳۵۳/۱۰/۶. وی متولد ۱۲۹۵ ش روحانی شیعی و از مبارزان علیه حکومت پهلوی و از طرفداران امام خمینی؛ بود. وی با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید مخالفت کرد. چند بار دستگیر و زندانی شده و بر اثر شکنجه در زندان به شهادت رسید. وی گفته بود که «دشمن خمینی کافراست». (همان)

۱۰۳. شهید آیت‌الله سید مصطفی خمینی، شهادت: ۱۳۵۶/۸/۱. وی متولد ۱۳۰۹ ش و فرزند بزرگ امام خمینی؛، از مجتهدان شیعه و از مبارزین انقلاب اسلامی ایران بود. ایشان مدارج علمی را نزد اساتید بزرگی همچون: امام

رسم انتظار

خمینی رحمته الله، آیت الله بروجردی، سید محمد محقق داماد، سید محمد حجت کوه کمره‌ای، آیت الله خویی و دیگران طی و در ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید. سید مصطفی از ابتدای نهضت امام خمینی در ۱۳۴۲ش وارد فعالیت‌های سیاسی شد و به جهت همین فعالیت‌ها دستگیر و به ترکیه و عراق به همراه امام خمینی تبعید شد. مهم‌ترین اقدام وی در تبعید، فعال نگهداشتن نهضت امام خمینی؛ بود. او پیام‌ها و اعلامیه‌های امام خمینی؛ را به ایران و سایر کشورها ارسال و اخبار نهضت را به اطلاع امام می‌رسانید. وی برای تحقق عملی اندیشه حکومت اسلامی تلاش کرد و رساله الاسلام و المحکومة را در این زمینه نگاشت و به موازات فراگیری اصول و فقه، به فراگیری فلسفه، حکمت، کلام، عرفان، معانی، بیان، نجوم و هیئت، تاریخ، رجال و درایه و تفسیر نیز پرداخت. از ویژگی‌های علمی سید مصطفی، دیدگاه و روحیه نقادانه‌اش در زمینه علوم اسلامی بود. او بر توسعه نقد در مباحث اصولی، توصیه و اصرار داشت. از سید مصطفی تألیفات بسیاری در زمینه علوم اسلامی به جا مانده که بیشتر آنها به چاپ نرسیده است. سید مصطفی در ۱۳۵۶ش در نجف به طور ناگهانی و به طرز مشکوکی مسموم و درگذشت، پیکرش پس از اقامه نماز میت توسط آیت الله خویی؛، در مقبره علامه حلی، داخل حرم امیرمؤمنان علیه السلام، به خاک سپرده شد. مرگ سید مصطفی به تشدید مبارزه با حکومت پهلوی، تحکیم رهبری امام خمینی، ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان نیروهای مخالف حکومت پهلوی انجامید. (همان)

۱۰۶. واعظ معروف و دل‌داده امام زمان علیه السلام حاج شیخ احمد کافی، درگذشت: ۱۳۵۷/۴/۳۰. مناسب است در اینجا خاطره مرحوم آیت الله مرعشی نجفی را از دعای ندبه مرحوم حاج شیخ احمد کافی در قم و دیدار ایشان با او به نقل از حجت الاسلام شیخ محسن کافی (فرزند مرحوم کافی) که از سیمای قم (شبکه نور) پخش شده است، بطور کامل بیاورم. فرزند مرحوم کافی می‌گوید:

رحمته خدمت مرحوم آقای مرعشی نجفی؛ این قصه برای سال ورود من به حوزه علمیه قم یعنی سال ۶۲ هست. ایشان تا مرا شناخت، شروع کردن یک خاطره‌ای را گفتن، بعد من از ایشان اجازه گرفتم، گفتم آقا اجازه هست من این را روی منبر یا جایی که می‌روم، برای رفقا بگویم؟ فرمودند: بگو. گفتند هر جا هم گفתי، بگو مرعشی یکی از مریدان شیخ احمد کافی است. خدا می‌داند مردم مقام علمی [آیت الله] آقای مرعشی را نمی‌شناسند، علامه‌ای بود،

واقعاً قی‌ها نمی‌شناسند، ایرانی‌ها نمی‌شناسند، مرحوم [آیت‌الله] آقای مرعشی دریای علم بود. فرمود: من صبح‌های جمعه با یکی از رفقای هم‌سن و سال خودم، هم بحث‌های نجف در قم، یک مباحثه‌ای گذاشته بودیم. یک جمعه من می‌رفتم خانه او، یک جمعه او می‌آمد خانه من. صبح جمعه بعد از نماز صبح، تعقیبات نماز صبح را خواندم، راه افتادم بروم خانه دوستم که در خیابان صفائیه بود. پیاده راه افتادم، دیدم جمعیت دارند می‌دوند طرف حرم؛ ترسیدم. با خودم گفتم چه شده؟ کجا می‌دوند؟ جلوی یکی را گرفتم، گفتم آقا چه خبر است؟ گفت: مگر خبرنداری؟ گفتم: نه! گفت: آقای کافی می‌خواهد بیاید مسجد اعظم دعای ندبه بخواند.

این تعبیر آقای مرعشی نجفی است من از همه عذرخواهی می‌کنم چون این تعبیر از خود ایشان است، من عرض می‌کنم چون در آن یک درس وجود دارد؛ مرحوم آقای مرعشی فرمود: یک مرتبه غرور علمی مرا گرفت. با خود گفتم چقدر این مردم، دور از فکر و تأمل و تعقل هستند؛ ما علمای بزرگ در خانه نشستیم، یک آخوند کم‌سواد، بی‌سواد می‌آید مسجد اعظم برود منبر؛ نگاه کن جمعیت چگونه دارد می‌دود. خیلی ناراحت بودم پیش خودم، که چرا مردم این‌گونه هستند؟ شروع کردم به طرف چهارراه بیمارستان رفتن. خلاف مسیر حرم. رسیدم چهارراه بیمارستان که بروم طرف خانه رفیق‌مان، دیدم رفیق ما هم دارد می‌آید.

گفت: سلام آقای مرعشی!

گفتم: این هفته نوبت تو بود که من بیایم خانه تو، چطور تو داری می‌آیی خانه من؟

گفت: من خانه شما نمی‌آیم.

گفتم: کجا می‌روی؟

گفت: خبرنداری؟ امروز آقای کافی می‌خواهد بیاید.

با خودم گفتم، من دو دقیقه قبل، پیش خودم توهین کردم به این خلق الله، که از نادانی دارند دنبال یکی می‌دوند. گفتم آقا از شما بعید است.

گفت: چرا؟

گفتم: حقیقت من در دلم چنین حرفی زدم.

یک دفعه رفیق بیدار دل ما به من گفت: آقای مرعشی استغفار کن.

گفتم: چرا؟

گفت: استغفار کن؛ این قدر زود قضاوت نکن.
گفتم: زود قضاوت نکردم. آقای کافی چقدر درس خوانده؟ مثلاً چه می‌گوید روی منبرش؟

گفت: استغفار کن. بیا برویم امروز ندبه آقای کافی، بعد حرف بزن.
گفتم: نه من نمی‌آیم. اگر بیایم ترویج باطل می‌شود.
خود آقای [آیت‌الله] مرعشی زمانی که برای بنده تعریف می‌کردند، اشک در چشمانش بود. اینها را به من می‌گفت که من تنبیه اخلاقی بشوم. فرمود که رفیق ما هرچی به من گفت که بیا برویم پای منبر آقای کافی، گفتم نه نمی‌آیم. تو می‌خواهی بروی برو، مباحثه تعطیل، من نمی‌آیم. یک مرتبه این رفیق ما یک چیزی گفت: آقای مرعشی یک حدیث امام صادق علیه السلام برایت می‌خوانم، هرکاری خواستی بکنی، بکن.

گفتم: چی؟
گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر می‌خواهید به جایی برسید، با هوای نفس خودتان مخالفت کنید. درست است یا نه؟
گفتم: بله.

گفت: الان هوای نفس تو می‌گوید نیا پای منبر آقای کافی، تونه بخاطر آقای کافی، بخاطر مخالفت با هوای نفس پاشو بیا بین چه خبر است.
گفتم: باشه. این که شد، میام.

آقای [آیت‌الله] مرعشی به من گفت آقای کافی، عبایم را مثل زن‌ها که چادر سرمی‌کنند، روی عمامه‌ام کشیدم که مبادا شاگردان من، من را پای منبر آقای کافی ببینند. نگویند: آقای کافی یک مقامی دارد که استاد ما هم آمد پای منبرش. عبایم را کشیدم روی سرم. با این سید رفیق مان از جای قبر مرحوم آقای بروجردی رفتیم. دیدیم مسجد اعظم پُر است. یک گوشه‌ای یک راهرویی جای راه رفتن هست، آمدیم و یک جایی پیدا کردیم و نشستیم. یک کسی کنارم بود از دوستان قمی، گفتم که آقای کافی کی می‌آید؟ گفت، آقای کافی تقریباً سه ربع، یک ساعت دیگر. با خودم گفتم سه ربع دیگر... ما از حالا این جا بنشینیم؟ گفت سید جان بشین که دیگر جایی گیرت نمی‌آید، بین جمعیت عین مور و ملخ دارند می‌آیند. ما با این رفیق مان همین جوری مات زده نشسته بودیم. جمعیت آمد جوری که دیگر درهای مسجد اعظم را بستند. صحن مسجد اعظم پُر شد. آن راهرویی که آمده بودیم پُر شد. بعد

شنیدیم خیابان موزه، که پشت مسجد اعظم هست نیز پُر شده است. من این مدت فقط در این فکر بودم که یعنی چه؟ تا این که دیدم از روبرو در باز شد و شلوغ شد، فهمیدم آقای کافی آمد. آمد و رفت روی منبر، منم یک زاویه ای بودم که قشنگ آقای کافی را می دیدم.

مرحوم [آیت الله] آقای مرعشی فرمود: آقای شیخ محسن به خدا قسم فقط همین قدر به تو بگویم که هنوز وسط خطبه مرحوم کافی بود: «لا سیما بقیة الله فی الارضین» نگاهش کردم، دیدم آقای کافی عین ابر بهار دارد گریه می کند. یک دفعه دیدم خودم هم دارم گریه می کنم و نمی فهمم. وسط اشک ریختن من، رفیقم زد رو دست من، گفت آقای مرعشی نگفتم استغفار کن، حالا استغفار کن. من تسبیح را در آوردم، شروع کردم استغفار کردن و دعا کردن به آقای کافی.

بعد تعبیر مرحوم [آیت الله] آقای مرعشی نجفی این بود: گفت آقای آشیخ محسن من گریه برای امام حسین علیه السلام خیلی در عمرم کردم، ولی به امام زمان علیه السلام قسم در عمرم به اندازه آن مجلس برای امام زمان علیه السلام گریه نکرده بودم. نمی دانی چقدر گریه کردم و آن روز آقای کافی چه کار کرد و چقدر من استغفار کردم، که این مرد را نشناخته قضاوت کردم.

این قصه تمام شد و ما از آن جا پاشدیم آمدیم بیرون. این رفیق ما گفت آقای مرعشی حالا نظرت چیست؟

گفتم: من عاشق و مریدش شدم.

[آیت الله مرعشی ادامه داد]: رسیدم خانه، محمودمان را صدا زدم. (آقای سید محمود از فضلا و مدیر کتابخانه [آیت الله] آقای مرعشی هستند) گفتم: آسید محمود برو هر جای قم که آقای کافی هست، پیدایش کن و او را بیاور.

ایشان هم رفت محل سکنای حاج آقا را پیدا کرد و به آقای کافی گفتند: آقای مرعشی می خواهند که شما را ببینند، گفته بود چشم و سریع لباس پوشید و نزد ایشان آمد. [شنیدم] پدرم دوست داشت دست [آیت الله] آقای مرعشی را ببوسد اما [آیت الله] آقای مرعشی نگذاشته بود. [آیت الله] آقای مرعشی به پدرم گفته بود: اولاً آقای کافی من را حلال کن؛ ثانیاً تقاضا می کنم بنده را یکی از مریدان خودت بدان.

این جمله از مرحوم [آیت الله] آقای مرعشی معروف است و حتی نوشتند که:

«به نظر من هیچ مرجعی در طول غیبت کبرای حضرت ولی عصر علیه السلام، مثل مرحوم کافی خدمت به تشیع نکرده است.» این جمله را خود [آیت الله] آقای مرعشی به من گفت؛ فقط بعضی از طلبه ها آن هم نه همه طلبه ها، بعضی از طلاب خبرداشتند که یکی از دعاهاى مفاتیح، دعای ندبه است! این مرحوم [پدر شما] آقای کافی بود که به ایران این را فهماند؛ الان شما هر جا می روید دعای ندبه است.

۱۰۵. شهید حجت الاسلام سیدعلی اندرزگو، شهادت: ۱۳۵۷/۶/۲. وی متولد ۱۳۱۸ش از مبارزان مسلح مخالف حکومت پهلوی در خلال سال های ۱۳۴۲-۱۳۵۷ و عضو هیئت های موتلفه اسلامی بود که با گروه های مختلفی ارتباط داشت. وی از پرکارترین فعالان ضد رژیم پهلوی شناخته می شد. (همان)

۱۰۶. درگذشت: ۱۳۷۷/۹/۲۷ش. محمدتقی فلسفی متولد ۱۲۸۶ش، سخنران و خطیب برجسته و مؤلف کتاب های گرانسنگ و برادر بزرگ استاد بزرگ حوزه علمیه مشهد حضرت آیت الله علی فلسفی. وی در تهران به دنیا آمد و در تهران و قم دروس حوزوی خواند. او پیام های آیت الله بروجردی را به محمدرضا پهلوی شاه وقت ایران می رساند. وی در نهضت امام خمینی؛ حضور فعال داشت و بازداشت و ممنوع المنبر شد. وی در منبر و خطبه روشی نو پایه گذاری و شاگردان بسیاری تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرت های تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. کتاب های کودک از نظروراثت و تربیت، جوان از نظر عقل و احساسات، بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، آیه الکرسی پیام آسمانی توحید، اخلاق از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، سخن و سخنوری از نظربیان و فن خطابه و شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق از آثار اوست. مدفن وی در شهرری و در کنار مرقد حضرت عبدالعظیم قرار دارد. (همان)

۱۰۷. عاصم: نگهدارنده، حفظ کننده از بدی ها، بازدارنده از لغزش و خطا (فرهنگ معین).

۱۰۸. قاصم: درهم شکننده، هلاک کننده. (همان)

۱۰۹. اشاره به فرازی از دعای عهد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَتْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ».

۱۰. شهید آیت الله مرتضی مطهری، شهادت: ۱۳۵۸/۲/۱۱. وی متولد ۱۲۹۸ش از اساتید حوزه علمیه و معروف‌ترین سخنران در دو دهه قبل از انقلاب اسلامی بود. از ایشان آثار بسیاری برجای مانده است که اکثر آنها متن پیاده شده سخنرانی‌های ایشان است. شهید مطهری در سخنرانی‌ها و کتاب‌هایش سعی در ارائه ایدئولوژی اصیل اسلامی داشت و آثار او پس از شهادتش از اصلی‌ترین منابع مورد رجوع در شناسایی نظر اسلام است. او در انقلاب اسلامی نقش موثری داشت و از سوی امام خمینی؛ مسئول تشکیل شورای انقلاب اسلامی شد. ایشان در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ به دست گروهک منافقین «فرقان» به شهادت رسید و روز شهادت ایشان به عنوان روز معلم در تقویم ایران نامگذاری شد. (همان)

۱۱. آیت الله سید محمود طالقانی، درگذشت: ۱۳۵۸/۶/۹ (صاحب تفسیر پرتوی از قرآن). وی متولد ۱۲۸۹ش از مبارزان و شخصیت‌های انقلاب اسلامی ایران، مفسر قرآن و نهج البلاغه و از علمای تهران بود. ایشان پیش از انقلاب با جبهه ملی و نهضت آزادی همراهی داشت و پس از کودتای ۲۸ مرداد، از مدافعان فدائیان اسلام بود. وی در جریان انقلاب سفید و مخالفت با آن به زندان افتاد. در آستانه انقلاب، ریاست شورای انقلاب را بر عهده گرفت و پس از انقلاب اولین امام جمعه شهر تهران و نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان قانون اساسی شد. (همان)

۱۲. آغاز جنگ تحمیلی: ۱۳۵۹/۶/۶.

۱۳. شهید حسین فهمیده، شهادت: ۱۳۵۹/۸/۸ (۱۳ ساله). وی متولد ۱۳۴۶ش نوجوان ۱۳ ساله‌ای بود که در جنگ تحمیلی با شجاعت بسیار نارنجک به کمر بست و زیرتانک دشمن رفت و با گذشتن از جان خود، پیروزی و حماسه آفرید. این دانش آموز رزمنده بسیجی با ایمان و بینش عمیق خود در جنگ با دشمن پیش قدم شد و با نیل به شهادت، درس شجاعت، فداکاری و مقاومت را به همه بسیجیان و امت حزب الله آموخت. امام خمینی؛ از این نوجوان ۱۳ ساله به عنوان رهبر یاد فرمود و بدین گونه نام ویاد او، منشأ حماسه‌های بزرگ شد و تحول عظیمی در شیوه‌های دفاع مقدس و نبرد رزمندگان اسلام ایجاد کرد و راه پیروزی و سرافرازی را یکی پس از دیگری، هموار ساخت. (همان)

۱۴. شهید سرلشکر علی اکبر شیرودی (از فرماندهان هوانیروز)، شهادت:

۱۳۶۰/۲/۸. وی متولد ۱۳۳۴ش و از ارتشیانی بود که همراه با خلبانان دیگر از جمله شهید احمد کشوری به دفاع از غرب کشور در جنگ تحمیلی پرداختند. شهید شیرودی سرانجام پس از چند هزار مأموریت هوایی و انجام بالاترین پروازهای جنگی در دنیا و نجات یافتن از ۳۶۰ خطر مرگ به شهادت رسید. (همان)

۱۱۵. شهید احمد کشوری، شهادت: ۱۳۵۹/۹/۱۵. وی متولد ۱۳۳۲ش سرگرد خلبان بالگرد جنگنده بل-۲۰۶ آجت رنجرو بل ای-۱ کبرا هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که در جنگ ایران و عراق به شهادت رسید. بیشترین سرشناسی وی شرکت در مهارشورش ۱۳۵۷-۱۳۵۹ کردها در ایران، حضور فعال ۳ ماهه در جنگ ایران و عراق و نحوه شهادت اوست. (همان)

۱۱۶. از نام‌های بهشت است.

۱۱۷. شهید دکتر مصطفی چمران، شهادت: ۱۳۶۰/۳/۳۱. وی متولد ۱۳۱۱ش وزیر دفاع دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و بنیانگذار ستاد جنگ‌های نامنظم در جنگ ایران و عراق. وی پیش از انقلاب اسلامی با دعوت امام موسی صدر به لبنان رفت و هشت سال آنجا ماند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران وزیر دفاع دولت موقت جمهوری اسلامی، نماینده مجلس و فرمانده ستاد جنگ‌های نامنظم در جنگ عراق با ایران بود. مصطفی چمران در دهلاویه در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ش به شهادت رسید. لبنان، کردستان؛ حاوی خاطرات او از لبنان و کردستان، علی زیباترین سروده هستی و ترجمه فارسی دعای کمیل از جمله آثار اوست. (همان)

۱۱۸. شهید آیت‌الله سید محمد بهشتی، شهادت: ۱۳۶۰/۴/۷ (در پی انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی). وی متولد ۱۳۰۷ش از روحانیون مؤثر در انقلاب اسلامی ایران بود. بهشتی در حوزه علمیه قم شاگرد علمایی مانند آیت‌الله بروجردی، امام خمینی ره، محقق داماد و علامه طباطبائی بود. وی از معدود روحانیان تحصیل‌کرده دانشگاهی و آشنا به زبان‌های انگلیسی و آلمانی بود. او از بنیان‌گذاران و اساتید مدرسه علمیه حقانی است که دروس دینی را به روش‌های جدیدتر آموزش می‌داد و دبیرستان دین و دانش را نیز با هدف تقویت علمی جوانان مذهبی تاسیس کرد. بهشتی از مخالفان نظام سلطنتی پهلوی حاکم بر ایران بود و علیه آن مبارزه سیاسی می‌کرد به همین دلیل مدتی از ایران خارج شد و در این مدت در مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان فعالیت می‌کرد. در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و بر

فعالیت‌های فرهنگی از جمله تدوین کتب درسی دانش‌آموزان متمرکز شد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبری انقلاب او را به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب انتخاب کرد و بعد از پیروزی نیز از موثرترین افراد در تنظیم قانون اساسی بود و به عنوان نخستین رئیس دیوان عالی کشور که در جمهوری اسلامی ایران فعالیت خود را آغاز کرد.

بهشتی بعد از تشکیل جامعه روحانیت مبارز تهران با همکاری دوستانش حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داد و نخستین دبیرکل آن شد. او سرانجام در دفتر مرکزی همان حزب و در یک عملیات تروریستی در ۷ تیر ۱۳۶۰ ش به همراه ۷۲ تن دیگر به شهادت رسید. بهشتی در مسائل مختلف دینی صاحب نظر بود و گاه مواضعی متفاوت از سایر روحانیان داشت، چنان‌که در دهه ۱۳۵۰ شمسی از علی شریعتی در مقابل حملات حوزویان دفاع می‌کرد. از او آثاری منتشر شده که بخش مهمی از آنها حاصل سخنرانی‌های اوست. (همان)

۱۱۹. شهید آیت‌الله سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، شهادت: ۱۳۶۰/۷/۷ (در مشهد بدست منافقین کوردل). وی متولد ۱۳۱۱ ش عالم، نویسنده و از روحانیون مبارز انقلاب اسلامی در ایران بود. وی مبارزه با رژیم پهلوی را از سال ۱۳۴۲ آغاز تا پیروزی انقلاب ادامه داد و پس از انقلاب دبیر حزب جمهوری اسلامی در مشهد شد. هاشمی‌نژاد با رای مردم استان مازندران به عنوان نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. مناظره دکتر و پیر، درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت و راه سوم بین کمونیسم و سرمایه‌داری از مشهورترین آثار اوست. هاشمی‌نژاد ۷ مهر ۱۳۶۰ ش همزمان با شهادت امام جواد علیه السلام در محل دفتر حزب جمهوری اسلامی مشهد طی یک عملیات انتحاری به شهادت رسید. (همان)

۱۲۰. شهید آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، شهادت: ۱۳۶۰/۱۰/۲۰. وی متولد ۱۲۹۲ ش، مجتهد شیعه اهل شیراز و از علمای اخلاق و از رهبران و مبارزان انقلاب اسلامی ایران بود. بیشترین شهرت ایشان به سبب درس اخلاق و کتاب‌های اخلاقی اوست و کتاب گناهان کبیره، قلب سلیم، داستان‌های شگفت از جمله آثار اوست. وی پس از انقلاب اسلامی به امامت جمعه شیراز منصوب شد و پس از عمری خدمت به مردم و انقلاب اسلامی و تدریس، تالیف و تربیت انسان‌ها به دست گروهک منافقین، ترور شد و به عنوان سومین شهید محراب در انقلاب اسلامی نام گرفت. (همان)

۱۲۱. شهید آیت الله عطاء الله اشرفی اصفهانی، شهادت: ۱۳۶۱/۷/۲۳. شهید محراب و نماینده امام خمینی رحمه الله در استان کرمانشاه و امام جمعه آن شهر بود. وی مسئولیت حوزه علمیه کرمانشاه را به عهده داشت و حوزه خواهران را نیز در این شهر راه اندازی کرد. تلاش برای وحدت میان شیعه و اهل سنت از فعالیت های او بود. او در جریان برگزاری نماز جمعه به دست سازمان مجاهدین خلق ترور شد. او یکی از امامان جمعه ای است که در ایران به شهدای محراب مشهورند. (همان)

۱۲۲. شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی، شهادت: ۱۳۵۸/۸/۱. متولد ۱۲۹۳ ش، وی اولین امام جمعه شهر تبریز بعد از انقلاب اسلامی ایران است. او از مبارزین پیش از انقلاب و از طرفداران امام خمینی؛ بود که رژیم پهلوی چند بار وی را به شهرهای مختلف تبعید کرد. بعد از انقلاب، امام خمینی رحمه الله وی را به عنوان نماینده خود در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز منصوب کرد. وی توسط گروه فرقان ترور شد و اولین شهید محراب در جمهوری اسلامی ایران نام گرفت. (همان)

۱۲۳. شهید آیت الله سید اسد الله مدنی، شهادت: ۱۳۶۰/۶/۲۱. وی متولد ۱۲۹۲ ش، از علمای شیعه مبارز علیه حکومت پهلوی، امام جمعه همدان و تبریز و از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بود. وی نزد آیت الله حجت کوه کمری، آیت الله سید محمد تقی خوانساری، امام خمینی، آیت الله سید محسن حکیم، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله سید عبدالهادی شیرازی شاگردی کرده و به درجه اجتهاد رسید. او از مبارزین پیش از انقلاب اسلامی بود و چندین بار توسط حکومت شاهنشاهی دستگیر و به شهرهای مختلف ایران تبعید شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به فعالیت های خود ادامه داد و نماینده مردم همدان در مجلس خبرگان قانون اساسی شد و به حکم امام خمینی؛ به امامت آن شهر منصوب گردید، پس از مدتی با شهادت اولین شهید محراب آیت الله قاضی طباطبائی، به حکم امام خمینی؛ امامت جمعه تبریز را عهده دار و با حزب خلق مسلمان در آن منطقه به مقابله پرداخت و توانست توطئه آمریکا و ایادیش در آذربایجان را خنثی کند. سرانجام آیت الله مدنی در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ در جریان برگزاری نماز جمعه، توسط گروهک منافقین ترور و به شهادت رسید. از وی به عنوان دومین شهید محراب یاد می شود. (همان)

۱۳۴ . شهید آیت الله محمد صدوقی، شهادت: ۱۳۶۱/۴/۱۱. وی متولد ۱۳۲۷ق، از روحانیون مبارز علیه رژیم پهلوی، همراه و یاور امام خمینی؛ در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام جمعه شهر یزد و نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان بود. وی از شاگردان امام خمینی رحمته الله علیه، شیخ عبدالکریم یزدی، سید محمدتقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمره‌ای و دیگر بزرگان بود. او از زمان رضاخان مبارزات خود را آغاز کرد. از دهه چهل به امام خمینی؛ پیوست و به مبارزه بر ضد رژیم پهلوی پرداخت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه را یاری و همراهی کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فعالیت خود را در مجلس خبرگان و امامت جمعه یزد ادامه داد. او علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، در حوزه اجتماعی، فرهنگی و عمرانی خدمات ارزنده‌ای داشت و سرانجام به دست گروهک منافقین ترور شده و به شهادت رسید. از او به عنوان سومین شهید محراب یاد می‌کنند. (همان)

۱۳۵ . شهید محمدعلی رجایی، شهادت: ۱۳۶۰/۶/۸. وی متولد ۱۳۱۲ش، سیاستمدار شیعه و دومین رئیس‌جمهور ایران بود. او در دولت مهدی بازرگان وزیر آموزش و پرورش، نخست‌وزیر دولت سید ابوالحسن بنی‌صدر و نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی نیز بود. پس از عزل بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری، رجایی با به دست آوردن ۸۸ درصد آرای مردم رئیس‌جمهور شد. رجایی ۲۸ روز پس از شروع ریاست جمهوری‌اش، بر اثر انفجار در دفتر نخست‌وزیری به همراه نخست‌وزیرش محمدجواد باهنر به شهادت رسید. گفته شده عامل انفجار مسعود کشمیری، دبیر وقت شورای امنیت ملی و از اعضای سازمان مجاهدین خلق بود که در دستگاه‌های اجرایی ایران نفوذ کرده بود. رجایی قبل از انقلاب با گروه‌های ضد حکومت پهلوی با گرایش‌های مختلف، مانند جمعیت فدائیان اسلام، نهضت آزادی ایران و مؤتلفه اسلامی همکاری داشت. او با بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق نیز تا قبل از تغییر ایدئولوژیک آنها از اسلام به مارکسیسم، همکاری می‌کرد. رجایی در سال ۱۳۵۳ش توسط ساواک دستگیر و ۱۴ ماه شکنجه شد. رجایی ولایت فقیه را جوهره انقلاب اسلامی می‌دانست و برای برقراری عدالت اسلامی، معتقد به پیاده کردن اقتصاد اسلامی بود. امام خمینی رحمته الله علیه رجایی را فردی دانسته که از زمان دست‌فروشی تا ریاست جمهوری تغییری در او ایجاد نشده است. بیش از بیست کتاب درباره رجایی نوشته شده است. (همان)

۱۲۶. شهید محمد جهان آرا، شهادت: ۱۳۶۰/۷/۷ (۲۷ ساله). وی متولد ۱۳۳۳ش از مبارزان با رژیم پهلوی و فرماندهان بزرگ جنگ تحمیلی بود و پس از خدمات فراوان به اسلام و انقلاب و به خصوص شهر خرمشهر در سال ۱۳۶۰ در یک سانحه هوایی به شهادت رسید. جهان آرا در هدایت حرکت‌های مردمی و بسیج نیروهای نظامی و سازماندهی آنان بر ضد نیروهای بعثی و منافقان نقش عمده‌ای به عهده داشت؛ زیرا از نظروی کسانی که در مقابل انقلاب و امام خمینی ایستاده بودند، قابل گذشت نبودند. (همان)

۱۲۷. شهید محمد بروجردی، شهادت: ۱۳۶۲/۳/۱. وی متولد ۱۳۳۳ش از مبارزان سیاسی قبل از انقلاب و از فعالان و فرماندهان دوران انقلاب و دفاع مقدس بود. وی سال ۱۳۶۲، در جاده مهاباد به نقده، بر اثر انفجار مین به شهادت رسید. (همان)

۱۲۸. شهید ابراهیم هادی، شهادت: ۱۳۶۱/۱۱/۲۲. وی متولد ۱۳۳۶ش از نیروهای مردمی داوطلب حاضر در جنگ عراق و ایران است که در عملیات والفجر مقدماتی در جنگ ایران و عراق به شهادت رسید و همان‌طور که خودش از خداوند می‌خواست، پیکر پاکش در کربلای فکه گمنام ماند؛ کتاب «سلام بر ابراهیم» در دو جلد در مورد زندگینامه و خاطرات او با استقبال فراوانی روبرو شده است. (همان)

۱۲۹. شهید محمد ابراهیم همت، شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۷. وی متولد ۱۳۳۴ش معلم و نظامی ایرانی بود، که از فرماندهان سپاه پاسداران در جنگ ایران و عراق بشمار می‌آمد. وی پس از انقلاب و در سال ۱۳۶۱ مدت کوتاهی را در جبهه جنگ لبنان و اسرائیل گذراند، سپس به ایران بازگشت و در جبهه‌های جنگ ایران و عراق در عملیات‌هایی چون: فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان و خیبرمسئولیت‌هایی را عهده‌دار بود. او در اسفند ۱۳۶۲ در جریان عملیات خیبر به شهادت رسید. (همان)

۱۳۰. شهید حسن باقری، شهادت: ۱۳۶۱/۱۱/۹ (۲۶ ساله). غلامحسین افشردی متولد ۱۳۳۴ش معروف به حسن باقری، از فرماندهان اطلاعات نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی بود.

وی در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان فرمانده قرارگاه نصر بود و عملیات را هدایت و فرماندهی می‌کرد، همچنین به عنوان فرماندهی قرارگاه نصر، در اجرای عملیات آزادسازی خرمشهر نقش مؤثری را ایفا کرد. شهید

باقری اوایل سال ۱۳۵۹ به عضویت سپاه درآمد و در واحد اطلاعات مشغول به خدمت شد و نام مستعار «حسن باقری» برای ایشان در نظر گرفته شد. با شروع جنگ تحمیلی نقش ویژه‌ای در سامان‌دهی اطلاعات ایفا کرد و به جمع‌آوری نقشه‌ها و پیاده کردن وضعیت مناطق عملیاتی روی آنها، اقدام کرد و برای ارزیابی توان و استعداد دشمن، با چالاک‌ی و شجاعت پیش می‌رفت. فعالیت‌های مثبت او در این زمینه با سازماندهی عناصر اطلاعاتی و برگزاری آموزش مختصری برای آنها، منجر به راه‌اندازی واحد اطلاعات عملیات در ستاد عملیات جنوب گردید. در نهایت حسن باقری در نهم بهمن ماه ۱۳۶۱ برای شناسایی و آماده‌سازی عملیات والفجر مقدماتی در خطوط مقدم چنانچه (منطقه فکه) در سنگر دیده‌بانی مورد هدف گلوله خمپاره دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید. (همان)

۱۳۱. شهید حسین خرازی، شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۸. وی متولد ۱۳۳۶ش فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران جنگ عراق و ایران بود. او در فرونشاندن غائله گنبد و ترکمن صحرا و در آزادسازی شهرهای دیواندره، سقز، بانه، مریوان و سردشت از دست افراد مسلح، نقش مؤثری داشت. خرازی در ۸ اسفند ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی کربلای ۵ به شهادت رسید. (همان)

۱۳۲. شهید عبدالحسین برونسی، شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۳. وی متولد ۱۳۲۱ش از شهدای بزرگ دوران دفاع مقدس بود که در عملیات‌های متعددی چون عاشورا، فتح‌المبین، بیت المقدس، رمضان، والفجر ۳، خیبر و بدر حضور فعال داشت و سرانجام در حالی که فرماندهی تیپ هجده جوادالائمه (ع) را برعهده داشت، در عملیات بدر به شهادت رسید. (همان)

۱۳۳. شهید مهدی باکری، شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۵. وی متولد ۱۳۳۳ش، نظامی ایرانی بود که از فرماندهان سپاه پاسداران در خلال جنگ ایران و عراق محسوب می‌شد و فرماندهی لشکر ۳۱ عاشورا را برعهده داشت. باکری در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، ۲، ۳ و ۴، همچنین عملیات خیبر حضوری فعال داشت. وی در خلال اجرای عملیات بدر در روستای حریبه بر اثر اصابت گلوله مستقیم نیروهای عراقی شهید شد. سپس گروهی داوطلب برای بازگرداندن پیکر وی اقدام کردند که در حال بازگشت، قایق آن‌ها مورد اصابت موشک آرپی. جی قرار گرفت و پیکر تمام آن‌ها در اروندرود مفقود شد. دو برادر دیگر باکری

به نام‌های علی باکری از اعضاء مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران که پس از دستگیری توسط ساواک، در دادگاه نظامی به اتهام «خرابکاری و برهم زدن امنیت کشور»، اعدام شد و برادر دیگر او حمید باکری نیز در خلال جنگ ایران و عراق در اسفندماه ۱۳۶۲ در عملیات خیبربراثرا صابت مستقیم گلوله آرپی جی در جزیره مجنون در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسید. پیکر پاک او در میدان نبرد باقی ماند و هیچ‌گاه به کشور بازگردانده نشد. (همان).

۱۳۴ . شهید عباس بابایی، شهادت: ۱۳۶۶/۵/۱۵. وی متولد ۱۳۲۹ش سرلشکر خلبان (نورثروپ اف-۵ و اف-۱۴ تامکت) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و معاون عملیات فرماندهی این نیرو از ۹ آذر ۱۳۶۲ تا ۱۵ مرداد ۱۳۶۶ بود و در سال ۱۳۶۶ در بازگشت از عملیات در عراق مورد هدف تیربار ضد هوایی قرار گرفت و به شهادت رسید. وی برای پیشرفت سریع عملیات به نظارت بر کارها اکتفا نمی‌کرد و علیرغم ممانعت‌هایی که برای جلوگیری از پرواز وی به دلیل سمتی که داشت به وجود می‌آوردند خود شخصاً در پروازهای عملیاتی شرکت می‌کرد و با مهارت و شجاعتی خاص به مقابله با دشمنان اسلام می‌پرداخت. او می‌گفت: «اگر پرواز نکنم، احساس ضعف خواهم کرد زیرا هستی خود را در میدان جنگ می‌بینم». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره شهید بابایی فرموده است: در میان رزمندگان (چه ارتش و چه سپاه) شهید بابایی یک انسان بزرگ و یک چهره ماندگار و فراموش نشدنی است. زندگی شهید بابایی در یک سریال تلویزیونی بنام «شوق پرواز» به تصویر کشیده شده است. این سریال طبق نظرسنجی صداوسیما بهترین سریال ژانر دفاع مقدس شناخته شد. (همان)

۱۳۵ . شهید منصور ستاری، شهادت: ۱۳۷۳/۱۰/۱۵. وی متولد ۱۳۲۷ش، سرتیپ پدافند نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرمانده آن نیرو از بهمن ۱۳۶۵ تا دی ۱۳۷۳ بود. در سال ۱۳۷۳ در سانحه سقوط هواپیما در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی شهید بهشتی اصفهان، به همراه افسران بلندپایه نیروی هوایی شهید شد. شهید ستاری از نخبگان کشور بود که در زمینه خودکفایی خدمات کم نظیری برای پدافند هوایی انجام داد؛ استعداد فوق‌العاده، فداکاری، عطوفت و مهربانی از ویژگی‌های این شهید گرانقدر بود. این نخبه نظامی با آرایه طرح‌ها و برنامه و اتکا به شایستگی فردی خود، توانست خدمات شایان توجهی را عرضه کند و زیرساخت‌های اساسی و به

یادماندنی از جمله دانشگاه هوایی را از خود به یادگار گذارد. اخیراً (سال ۱۴۰۰) بخش‌هایی از زندگینامه این شهید والامقام در یک فیلم سینمایی بنام «منصور» به نمایش درآمده است. (همان)

۱۳۶. شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، شهادت: ۱۳۷۸/۱/۲۱. وی متولد ۱۳۲۳ش، از فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران که بعد از انقلاب اسلامی ایران و در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نقش موثری ایفا نموده و فرماندهی عملیات‌های پیروزمندانه ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس در جنگ تحمیلی را برعهده داشت. ایشان سمت‌های، فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی؛ عضو شورای عالی دفاع ملی؛ معاونت بازرسی ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح و جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح را برعهده داشت. صیاد شیرازی در ۲۱ فروردین سال ۱۳۷۸ شمسی به دست منافقین، مقابل منزلش، ترور شده و به شهادت رسید. (همان)

۱۳۷. سیدمرتضی آوینی، درگذشت: ۱۳۷۲/۱/۲۰ (در جریان فیلم‌سازی در منطقه فکه خوزستان بعثت برخورد ترکش مین به شهادت رسید). وی متولد ۱۳۲۶ش، کارگردان فیلم مستند و روزنامه‌نگار حوزه فرهنگی بود. مجموعه فیلم‌های مستند تلویزیونی او درباره جنگ ایران و عراق با نام روایت فتح شناخته شده است. از او بیش از ده اثر به یادگار مانده است. آوینی ارادت ویژه‌ای به مقام معظم رهبری داشت و می‌گفت نباید گذاشت که اوامر آقا در پیچ و خم توجیحات و تفسیرهای غلط معطل بماند. مقام معظم رهبری در مراسم تشییع شهید آوینی فرمودند: «من خودم بزرگ‌ترین داغدار این مصیبت هستم». شهید آوینی بسیار ساده زیست و عاشق شهادت بود. (همان)

۱۳۸. آیت‌الله علی صفائی حائری، درگذشت: ۱۳۷۸/۴/۲۲ (در ۴۸ سالگی در راه زیارت حضرت ثامن‌الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام). وی متولد ۱۳۳۰ش، نویسنده، مجتهد، عارف و اندیشمند شیعه معاصر بود. از آیت‌الله صفائی حائری بیش از پنجاه عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف: معارف اسلامی، روش تدریس، نقد مکاتب و پاسخ به شبهات، مباحث تربیتی، اجتماعی و اخلاقی، که همه از موضوعات بنیادی تفکر شیعی و یا مسائل روز و مورد نیاز جامعه اسلامی است، منتشر شده است. (همان)

۱۳۹. صد: اعراض شدید، مانع بودن، جلوگیری‌بودن. صاد: روی‌گرداننده، اعراض‌کننده شدید. مقصود از «عین صاد» شیخنا الاستاد آیت‌الله علی

صفای حائری است که هم ابتدای نام و فامیل ایشان و هم به معنای چشم پاسدار و جلوگیری از التقاط است؛ التقاط اسلام با غیراسلام و التقاط اسلام حتی با اندیشه مسلمین. این اندیشمند گرانمایه بین اسلام با اندیشه مسلمین تفاوت قائل بود و فلسفه، عرفان، تربیت، اخلاق و... اسلامی را با فلسفه، عرفان و... مسلمین درهم نمی آمیخت و بین آنها تمایز می گذاشت. (رک: صفائی حائری، علی، انسان در دو فصل، ص ۷ و ۵۵؛ حرکت، ص ۹۷؛ یادنامه، ص ۴۰؛ نقدی بر هرمنوتیک، ص ۱۶)

۱۴۰. سید آزادگان حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر ابوترابی فرد، درگذشت: ۱۳۷۹/۳/۱۲ (وی در سال ۱۳۶۹ پس از ده سال اسارت همراه با دیگر آزادگان سرافراز به میهن اسلامی بازگشت و در همان سال با حکم رهبر معظم انقلاب نماینده ولی فقیه در امور آزادگان شد. آن مجاهد خستگی ناپذیر در مسیر زیارت حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به همراه پدر بزرگوارش آیت الله سیدعباس ابوترابی فرد بر اثر سانحه رانندگی هردو جان به جان آفرین تسلیم کردند و در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا علیه السلام حجره ۲۴ به خاک سپرده شدند). (همان)

۱۴۱. شهید آیت الله محمدباقر صدر، شهادت: ۱۳۵۹/۱/۱۹ (این شهید بزرگوار در مورد امام راحل فرموده بود: «ذوبوا فی الامام الخمینی کما ذاب هو فی الاسلام؛ ذوب شوید در خمینی همان گونه که او در اسلام ذوب شده است» رک: سایت الف «شهید صدر درباره امام خمینی؛ چه گفت؟»). شهید صدر متولد ۱۳۱۳ ش، از فقهای نامدار شیعه بود که علوم دینی را نزد سید ابوالقاسم خویی و برخی از علمای نجف آموخت و به تدریس علوم دینی پرداخت. سید محمد صدر، سید محمدباقر حکیم، سید کاظم حسینی حائری و سید محمود هاشمی شاهرودی از شاگردان اویند. آیت الله صدر در دانش های چون اصول، فقه، فلسفه سیاست و معرفت شناسی نظریه های جدیدی ارائه داده است. برخی از نظریه های مشهور وی عبارت است از: نظریه حق الطاعة، توالد ذاتی معرفت و منطقة الفراغ. او کتاب های فراوانی نیز نوشته است که فلسفتنا، اقتصادنا، دروس فی علم الاصول (مشهور به حلقات) و الاسس المنطقیه للاستقراء از مهم ترین آنها است. مشارکت در تشکیل حزب الدعوة الاسلامیة، صدور فتوای حرمت عضویت مسلمانان در حزب بعث عراق و برپایی راهپیمایی و تظاهرات در شهرهای شیعه نشین جنوب

عراق و بغداد بخشی از فعالیت‌های سیاسی وی بود. این اقدامات سبب شد که دولت عراق او و خواهرش آمنه صدر را دستگیر و به شهادت برساند. (همان)

۱۴۲. شهید آیت‌الله سید محمدباقر حکیم، شهادت: ۱۳۸۲/۶/۷ (برائثریک انفجار تروریستی در نجف). وی متولد ۱۳۱۸ش از عالمان شیعه اهل عراق، رئیس و از بنیان‌گذاران مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، فرزند سید محسن حکیم مرجع تقلید شیعه و از شاگردان دو مرجع تقلید دیگر سید محمدباقر صدر و سید ابوالقاسم خویی بود. او به الهی بودن منصب حکومت اعتقاد داشت و حکومتی را مطلوب می‌دانست که هدفش اجرای آموزه‌های اسلامی باشد. وی نوع حکومت جمهوری اسلامی را بر دیگر انواع حکومت ترجیح می‌داد و معتقد بود که آن را باید فقیه عادل و آگاه اداره کند. محمدباقر حکیم از طرفداران نظریه تخصصی شدن مرجعیت دینی بود. وی همچنین از بنیانگذاران حزب الدعوة الاسلامیه بود و سال‌ها با حزب بعث حاکم بر عراق مبارزه کرد و بعد از آزادی از زندان مبارزه خود را از ایران ادامه داد و پس از سرنگونی رژیم بعث، در ۱۳۸۲ش به عراق بازگشت و در نجف اقامت گزید و در شهریور همان سال برائثریک انفجار تروریستی در نجف به شهادت رسید. کتاب‌های الحکم الاسلامی بین النظرية و التطبيق، النظرية الاسلامیة فی التحریک السیاسی و الوحدة الاسلامیة من منظور الثقلین از آثار اوست. (همان)

۱۴۳. شهیده سیده آمنه بنت‌الهدی صدر؛ خواهر شهید محمدباقر صدر، متفکر، نویسنده، شاعر، معلم فقه و اخلاق، شهادت: ۱۳۵۹/۱/۱۹. وی در عراق همراه برادرش شهید آیت‌الله محمدباقر صدر برائثر شکنجه به دستور صدام به شهادت رسید.

۱۴۴. امام علی علیه السلام: «أَلْعَلِمُ سُلْطَانُ...»: دانش اقتدار و قدرت است، هر که آن را بیابد، با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد، بر او یورش برند. (شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

۱۴۵. شهید مجید شهریار، شهادت: ۱۳۸۹/۹/۸ (شهید هسته‌ای)؛ از دیگر شهدای هسته‌ای مسعود علیمحمدی (شهادت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲)، مصطفی احمدی روشن (شهادت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱)، داریوش رضایی نژاد (شهادت: ۱۳۹۰/۵/۱) و محسن فخری‌زاده (شهادت: ۱۳۹۹/۹/۷) را می‌توان نام برد. (همان)

مجید شهریاری متولد ۱۳۴۵ش، مدرس دانشگاه، فیزیکدان و دانشمند هسته‌ای ایرانی بود، که در آذرماه ۱۳۸۹ ترور شد. وی دانش‌آموخته کارشناسی مهندسی الکترونیک از دانشگاه صنعتی امیرکبیر، کارشناسی ارشد مهندسی هسته‌ای از دانشگاه صنعتی شریف و دکتری علوم و تکنولوژی هسته‌ای از دانشگاه صنعتی امیرکبیر بود. شهریاری استاد دانشگاه شهید بهشتی و از کارکنان سازمان انرژی اتمی ایران بود. (همان)

۱۴۶. شهید حسن تهرانی مقدم، شهادت: ۱۳۹۰/۸/۲۱ (شهید موشکی). وی متولد ۱۳۳۸ش، از فعالین مبارزه با رژیم پهلوی پیش از انقلاب و از حاضران در صحنه هشت سال جنگ تحمیلی بود. این شهید گرانقدر ۲۵ سال از عمر خود را در ایجاد و توسعه بخش توپخانه و موشک و توان دفاعی کشور قرار داده بود و به عنوان پدر موشکی ایران لقب گرفت. (همان)

۱۴۷. شهید عماد مغنیه، شهادت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۸؛ معروف به حاج رضوان از فرماندهان نظامی حزب‌الله لبنان. او یکی از رهبران نظامی حزب‌الله لبنان در جنگ اسرائیل و لبنان در تابستان ۲۰۰۶م بود. (همان)

۱۴۸. عالم مجاهد و محبوب سید حسن نصرالله (متولد شهریور ۱۳۳۹ش) دبیرکل حزب‌الله لبنان که پس از شهادت سیدعباس موسوی، به مقام دبیرکلی انتخاب شد. (همان)

۱۴۹. شهید آیت‌الله شیخ نوری باقر النمر، شهادت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲. وی مجاهد شهید اهل قطیف عربستان است که بدست جلادان سعودی به شهادت رسید. (همان)

۱۵۰. شیخ ابراهیم زکزاکی، روحانی مجاهد شیعه اهل نیجریه که پس از سال‌ها تحمل زندان و شهادت فرزندانش، هم‌چنان به مبارزه خود ادامه می‌دهد و رهبری شیعیان را در کشور خود برعهده دارد. (همان)

۱۵۱. درگذشت: ۱۳۹۵/۸/۲۷. طاهره دباغ با نام اصلی مرضیه حدیدچی متولد ۱۳۱۸ش، چریک مسلح و زندانی سیاسی در زمان حکومت پهلوی، در دوران تبعید امام خمینی رحمته‌الله در پاریس محافظ شخصی خانواده او و پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ایران، از بنیان‌گذاران سپاه پاسداران و سپس نماینده مجلس شورای اسلامی شد. (همان)

۱۵۲. شهید محسن حججی، شهادت: ۱۳۹۶/۵/۱۸ (۲۶ ساله). وی از نیروهای ایرانی مدافع حرم در گذرگاه مرزی الولید سوریه بود که توسط نیروهای داعش

به اسارت درآمد و پس از دو روز به دست آنان سراز بدنش جدا شد و به شهادت رسید (همان). عزت و اقتدار او در هنگام اسارت و شهادت، هراسان آزاده‌ای را به تحسین وامی‌دارد. درود خدا بر او باد.

۱۵۳. مادر دو شهید مهدی و مجید زین‌الدین (حاجیه خاتم زینب اسلام دوست) الگوی ایثار و مقاومت، (رک: سایت‌های متعدد)

۱۵۴. شیخنا الاستاد آیت‌الله محمد مؤمن قمی، درگذشت: ۱۳۹۷/۱۲/۲. محمد دانش‌زاده قمی (۱۳۱۶-۱۳۹۷ ش) مشهور به محمد مؤمن، از نظریه‌پردازان ولایت فقیه و از فقهای شورای نگهبان و نماینده مجلس خبرگان رهبری است. آیت‌الله مؤمن از روحانیان مبارز علیه حکومت پهلوی بود و از سال ۱۳۴۲ ش تا پایان عمر، در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم عضویت داشت. در سال ۱۳۵۳ ش در دوره حکومت محمدرضا پهلوی در ایران سه سال در شهادت از توابع کرمان و نویسندگان در تبعید زندگی کرد. مؤمن پس از پیروزی انقلاب در شکل‌گیری قوه قضائیه نقش مؤثری داشت. او عضو شورای عالی قضایی، عضو شورای عالی حوزه، عضو شورای بازنگری قانون اساسی و مدیر حوزه علمیه قم بود. او یکی از فقهای شورای نگهبان، و نماینده مجلس خبرگان رهبری بود. مؤمن آثار متعددی درباره حکومت اسلامی تألیف کرد. کتاب «الحکومة الإسلامية» در سه جلد از آثار مهم ایشان در تبیین ولایت معصومان و ولایت فقیه است. (ویکی فقه)

رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در پیامی بمناسبت درگذشت آیت‌الله مؤمن چنین مرقوم فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون. با تأسف فراوان خبر رحلت عالم ربانی و فقیه پارسا و پرهیزگار آیه‌الله آقای حاج شیخ محمد مؤمن قمی (اعلی الله مقامه) را دریافت کردم. این ضایعه‌ای برای حوزه علمیه است. مقام علمی و پرورش شاگردان برجسته در کنار تقوا و اخلاص این عالم بزرگوار، و نیز وفاداری و تعهد انقلابی و اجتماعی، شخصیت جامعی از ایشان ساخته بود. سابقه مبارزاتی ایشان به پیش از انقلاب برمی‌گردد و خدمات انقلابی ایشان در تمام دوران چهل ساله مستمراً ادامه داشته است و در دوره‌های متعدد و متوالی یکی از ارکان مهم شورای محترم نگهبان بوده‌اند. این جانب درگذشت ایشان را به خاندان گرامی و فرزندان مکرم و دیگر بازماندگان و نیز به حضرات علمای اعلام حوزه

مقدس قم و بخصوص شاگردان و دوستان ایشان و به عموم مردم عزیز شهر قم تسلیت عرض می‌کنم و مغفرت و رحمت الهی و علو درجات ایشان را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

سید علی خامنه‌ای (۳ اسفند ۱۳۹۷)

۱۵۵. شهید قاسم سلیمانی، شهادت: ۱۳/۱۰/۱۳۹۸. وی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران بود و در هنگام خروج از فرودگاه بین‌المللی بغداد به دستور ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا مورد حمله موشک پهپاد نظامی ارتش آمریکا قرار گرفت و به شهادت رسید. تشییع جنازه این شهید عزیز پس از تشییع امام راحل رحمه الله بی‌تظیر بود. لازم به ذکر است که این بیت را در مکه و در زمان حیات این شهید بزرگوار گفته بودم و پس از شهادت بیت دوم را بر آن افزودم.

۱۵۶. شهید ابومهدی المهندس، شهادت: ۱۳/۱۰/۱۳۹۸ ش. از فرماندهان حشد الشعبی که به همراه شهید قاسم سلیمانی در فرودگاه بین‌المللی بغداد بدستور ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا، توسط مأموران آمریکایی به شهادت رسید.

۱۵۷. فرمانده سپاه قدس و جانشین شهید حاج قاسم سلیمانی. اسماعیل قآنی متولد ۱۳۳۶ ش مشهد که از سال ۱۳۹۸ فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران را برعهده دارد. وی از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ جانشین قاسم سلیمانی در فرماندهی نیروی قدس بود که پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی از جانب مقام معظم رهبری به فرماندهی نیروی قدس منصوب شد. قآنی فعالیت در سپاه پاسداران را از سال ۱۳۵۸ آغاز کرد و در طول جنگ ایران و عراق، از فرماندهان سپاه بود. وی از ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ فرماندهی لشکر ۲۱ امام رضا علیه السلام را برعهده داشت و از ۱۳۶۶ تا پایان جنگ نیز فرمانده لشکر ۵ نصر بود. او از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶ به عنوان معاون اطلاعات ستاد مشترک سپاه پاسداران (سازمان اطلاعات سپاه) فعالیت می‌کرد. (همان)

۱۵۸. شهید محسن فخری زاده، شهادت: ۷/۹/۱۳۹۹ ش. وی متولد ۱۳۳۶ ش، معاون وزیر دفاع و ریاست سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع، عضو ارشد سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و استاد فیزیک دانشگاه امام حسین علیه السلام، جزو پنج ایرانی لیست پانصد نفره قدرتمندترین افراد جهان در نشریه فارن پالیسی و دانشمند ارشد وزارت دفاع و لجستیک نیروهای مسلح بوده است. وی به عنوان دانشمند ارشد وزارت دفاع و رئیس پیشین مرکز تحقیقاتی فیزیک، توسط شورای امنیت سازمان ملل در فهرست تحریم شدگان

ایرانی قرار گرفت اما این امر تأثیری در عزم و اراده‌اش نداشت و او همچنان در جهت رشد، تعالی و اقتدار جایگاه علمی - تحقیقاتی و دفاعی کشور در تلاش بود تا اینکه سرانجام در تاریخ ۷ آذر ۱۳۹۹ در یک عملیات تروریستی به درجه رفیع شهادت نائل آمد. (همان)

۱۵۹. آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، درگذشت: ۱۲/۱۰/۱۳۹۹ ش. رهبر معظم انقلاب در بخشی از پیام تسلیت خود نسبت به درگذشت این عالم ربانی و استاد بزرگ حوزه چنین می‌فرمایند: «... ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویایی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند. خدمات ایشان در تولید اندیشه دینی و نگارش کتب راهگشا، و تربیت شاگردان ممتاز اثرگذار، و در حضور انقلابی در همه میدان‌هایی که احساس نیاز به حضور ایشان می‌شد، حقاً و انصافاً کم‌نظیر است. پارسائی و پرهیزگاری خصلت همیشگی ایشان از دوران جوانی تا آخر عمر بود و توفیق سلوک در طریق معرفت توحیدی، پاداش بزرگ الهی به این مجاهد بلندمدت است...».

۱۶۰. اشاره است به کلام مولی امیرالمؤمنین علیه السلام به همام در ویژگی‌های متقین (نهج البلاغه، خ ۱۹۳ صبحی صالح): لازم به ذکر است در برخی از نسخه‌ها به جای متقین، «شیعه» آمده است. (بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۸۹۳)

۱۶۱. سلمان فارسی، صحابی مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله و از یاران امام علی علیه السلام بود. او جایگاه والایی در میان صحابه داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله او را از اهل بیت خود خواند. او به اسم اعظم خداوند آگاه بود و مقامش از مقام لقمان حکیم بالاتر شمرده شده است. در گزارش‌هایی او را از اهل اصفهان یا شیراز معرفی کرده‌اند. مطابق روایات شیعه او هیچ‌گاه به غیر خدا سجده نکرد. او روح حق جویی داشت و برای یافتن حقیقت به سرزمین‌های مختلفی مسافرت کرد و نزد اسقف‌های مسیحی به تعلیم و تربیت نفس پرداخت تا آن‌که به ظهور پیامبر آخرالزمان در سرزمین عرب بشارت داده شد. سلمان برای یافتن پیامبر صلی الله علیه و آله به حجاز رفت و با دیدن نشانه‌های نبوت در پیامبر صلی الله علیه و آله، به وی ایمان آورد. سلمان پس از غزوه خندق در همه جنگ‌های دوران پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت کرد و حضوری موثر داشت؛ از جمله این‌که او در جنگ احزاب پیشنهاد حفر خندق، گرداگرد مدینه و در جنگ طائف استفاده از منجنیق را ارائه داد. او پس از پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران خاص امام علی علیه السلام شد و صحابه را به دلیل تخلف از

دستور پیامبر ﷺ مبنی بر جانشینی علی علیه السلام، سرزنش می‌کرد. با این حال او با خلفاء آن دوران همکاری داشت و با پیشنهاد عمر بن خطاب و با اجازه امام علی علیه السلام فرماندار مدائن شد. سلمان فارسی زندگی ساده و زاهدانه‌ای داشت و این روش را در دوران امارت خود برمدائن ادامه داد. او از امکانات حکومتی به نفع خود استفاده نمی‌کرد و با دست‌رنج خود گذران زندگی می‌کرد. در طول عمر سلمان نظرات مختلفی ذکر شده است و برخی او را از معقرین (افراد بسیار سالخورده) معرفی کرده‌اند. مطابق برخی از پژوهش‌ها سلمان در سال ۳۳ ق درگذشت و امام علی علیه السلام با طی الارض به مدائن رفته، او را کفن و دفن نمود. تمام مسلمانان از جمله اهل سنت به مقام والای سلمان فارسی اعتراف دارند، اما در دیدگاه شیعیان صرف‌نظر از امامان معصوم: سلمان فارسی، بزرگ‌ترین و جلیل‌القدرترین صحابی پیامبر اسلام ﷺ می‌باشد که به بالاترین درجه‌های ایمان و کمال رسید و این شایستگی را یافت که پیامبر خدا ﷺ درباره او بگوید: «سلمان از اهل بیت ما است». (الاختصاص، ص ۳۴۱) براساس روایتی از پیامبر ﷺ، بهشت مشتاق سه نفر، یعنی علی، عمار و سلمان است. به روایت دیگری نیز، او یکی از چهار نفری است که بهشت، مشتاق آنهاست. (طبقات المحدثین باصبهان والواردین علیها، ج ۱، ص ۲۰۵) سلمان را از بهترین و زاهدترین و داناترین اصحاب و نزدیکان پیامبر ﷺ دانسته‌اند. (همان)

مناسب است روایت امام صادق علیه السلام در منزلت و بزرگی سلمان و برخی ویژگی‌های مهم او را در اینجا بیاورم:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ بُرْزُجَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَكْثَرُ مَنِّكَ سَيِّدِي ذِكْرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فَقَالَ لَا تَقُلْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَلَكِنْ قُلْ سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِيَّ أَتَذَرِي مَا كَثُرَتْ ذِكْرِي لَهُ؟ قُلْتُ لَا قَالَ لِثَلَاثٍ أَحَدُهَا إِشَارَةُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ وَالثَّانِيَةُ حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَالثَّالِثَةُ حُبُّهُ لِقَوْلِهِ إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا خَنيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛

یکی از یاران امام صادق علیه السلام از ایشان پرسید: چه بسیار از شما می‌شنوم که سلمان فارسی را یاد می‌کنید. حضرت فرمود: نگوی سلمان فارسی، بگو سلمان محمدی. می‌دانی چرا سلمان را زیاد یاد می‌کنم؟ عرض کردم: نه نمی‌دانم. فرمود: به خاطر سه ویژگی: ۱. خواسته امیرالمؤمنین را برخواسته خود مقدم می‌داشت؛ ۲. محرومان و فقرا را دوست داشته و بر ثروتمندان ترجیح می‌داد؛ ۳.

علم و عالمان را گرامی می‌داشت. سلمان، عبد صالح خدا، حق‌گرا و مسلمان بود و از مشرکین نبود. (بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، ج ۱، ص ۲۶۷؛ امالی شيخ طوسي، ص ۱۳۳؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۷)

۱۵۲. مالک بن حارث، معروف به مالک اشتر متوفای ۳۹ ق. از یاران ویژه امیرمؤمنان (ع) و از رؤسای نیرومند عراق و امیران لشکر امیرمؤمنان (ع) که در سیاست مردی دوراندیش و در جنگ فرماندهی توانمند بود. او در جنگ‌هایی از جمله جمل و صفین شرکت داشت و سرانجام از طرف امام علی (ع) به استانداری مصر منصوب شد ولی قبل از رسیدن به مصر به شهادت رسید. عهدنامه معروف مالک اشتر، پیمان‌نامه‌ای است که امام علی (ع) خطاب بدو هنگام فرستادنش به مصر نگاشت. چون خبر مرگ مالک اشتر به امیرالمؤمنین (ع) رسید فرمود: مالک! مالک چه بود! به خدا اگر کوه بود کوهی بود جدا از دیگر کوه‌ها و اگر سنگ بود سنگی بود خارا که سم هیچ ستور به سستیغ آن نرسد و هیچ پرندۀ برفراز آن نپرد. و نیز چنین فرمود: «خدا رحمت کند مالک را، او برایم چنان بود که من برای رسول خدا (ص) بودم». (شهیدی، نهج البلاغه، ص ۴۴۰، کلمات قصار، ش ۴۴۳)

امام علی (ع) هنگام فرستادن مالک اشتر به مصر، در نامه‌ای خطاب به مصریان مالک را برای آنها چنین توصیف می‌کند: «... من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستاده‌ام که در ایام ترس چشم برهم نمی‌نهد و از بیم مصائب، از دشمن نمی‌هراسد و بر تبهکاران از آتش سخت‌تر است. او مالک بن حارث از تبار مذحج است، به او گوش فرادهید و از فرمانش اطاعت کنید، چه او شمشیری از شمشیرهای خداوند است. قوی ضربت و تیز دم است. اگر گسیل‌تان دارد بکوچید و اگر فرمان به ماندن دهد بمانید، چرا که اگر اقدام کند یا از اقدام دست بدارد به امر من است. من شما را بداشتن او بر خود مقدم داشته‌ام. چه، از خلوص او به شما و سرسختی او در برابر دشمن شما آگاهم...» (ترجمه اعلام نهج البلاغه، امینی، ص ۴۰)

معاویه نیز چون از مرگ مالک آگاه شد خطاب به مردم گفت: «اما بعد، علی را دو دست بود یکی در صفین بریده شد و آن عمار بن یاسر بود و دیگری امروز که مالک اشتر است.» (الفارات ثقی، ج ۱، ص ۲۶۲)

ابن ابی‌الحدید در مورد مالک می‌گوید: «وی سوارکاری شجاع، رئیس (قبیله)، و از بزرگان شیعه بود که در دوستی و یاری امیرالمؤمنین (ع)، ثابت قدم بود.

مالک نرمش را با خشونت جمع می‌کرد. در جای سخت‌گیری، سخت می‌گرفت، و در جای نرمی، مدارا می‌کرد.» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۹۸ و ۱۰۲) (همان)

۱۶۳. مقداد بن عمرو، معروف به مقداد بن اسود (درگذشت ۳۳ ق) از بزرگان صحابه پیامبر ﷺ و از نخستین شیعیان امام علی ﷺ بود. مقداد در اوایل بعثت مسلمان شد و از نخستین افرادی بود که اسلام خود را آشکار کرد. وی در همه جنگ‌های صدر اسلام حضور داشت. از مقداد در کنار سلمان فارسی، عمار بن یاسر و ابوذر به عنوان نخستین شیعیان امام علی ﷺ یاد کرده‌اند که در زمان پیامبر ﷺ نیز بدین نام شناخته می‌شدند. مقداد پس از رحلت پیامبر ﷺ، از جانشینی امام علی ﷺ حمایت کرد و با ابوبکر بیعت نکرد و از معدود افرادی بود که در تشییع حضرت زهرا ﷺ حضور داشت. مقداد را از مخالفان سرسخت خلافت عثمان بر شمرده‌اند. در روایات اهل بیت: از مقداد به نیکی یاد شده و از رجعت‌کنندگان در زمان ظهور حضرت مهدی ﷺ معرفی شده است؛ نقل روایاتی از پیامبر ﷺ به مقداد منسوب شده است. (همان)

۱۶۴. مقصود صُغَصَة و زید بن صُوحان است که دو برادر و از خواص یاران امام علی ﷺ بودند. صغصه در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان شرکت کرد. وی در سخنوری مهارت داشت و از این مهارت در دفاع از امام علی ﷺ و انتقاد به معاویه استفاده می‌کرد. امام علی ﷺ صغصه را از اصحاب بزرگ خود معرفی کرده است. امام صادق ﷺ هم او را از معدود افرادی دانسته است که امام علی ﷺ را آن‌گونه که شایسته است، شناخت. مسجد صغصه در کوفه به او منسوب است.

زید بن صوحان (شهادت ۳۶ ق) برادر صُغَصَة از شهدای جنگ جمل؛ زید از یاران امام علی ﷺ بود که کوفیان را به حمایت از امام علی ﷺ در جنگ جمل دعوت می‌کرد. او در این جنگ پرچم‌دار قبیله عبدالقیس بود و به شهادت رسید؛ برخی از منابع از زهد و کثرت عبادت او سخن گفته‌اند. برخی از منابع او را در شمار صحابه پیامبر ﷺ آورده‌اند. برادر دیگر این دو «سیحان» نیز از یاران امیرالمؤمنین ﷺ بود و در جنگ جمل در رکاب آن حضرت به شهادت رسید. (همان)

۱۶۵. مقصود هارون مکی است که به اشارت حضرت صادق ﷺ به درون تنور افروخته رفت. (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳)

۱۶۶. تخلص شعری مقام معظم رهبری (دامت برکاته).

۱۶۷. این تعبیر را وام‌دار شیخنا الاستاد مرحوم حاج شیخ علی صفائی حائری هستیم و اولین بار از ایشان شنیدم. استاد پس از درگذشت امام راحل و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) در جمعی از دوستان و شاگردان خود که این حقیر نیز توفیق حضور داشتم، گفتند: خدا به این ملت پس از روح‌الله، روح الامین عنایت کرد.

۱۶۸. در رویای صادق‌مرحوم آیت‌الله نائینی از ایران به «شیعه‌خانه ما» تعبیر شده است. نقل این رؤیا شنیدنی است؛ مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی به نقل از استاد خود مرحوم آیت‌الله نائینی چنین نقل می‌کند:

در دوران جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط قوای انگلیسی و روسی، که حملات و هجوم‌ها به ملت شیعه اوج گرفته بود، مرحوم آیت‌الله نائینی خیلی پریشان بودند و نگران از اینکه این وضع به کجا خواهد انجامید، نکند که این کشور محبت و دوستدار امام زمان علیه السلام از بین برود و سقوط کند. در همین زمان‌ها، شبی به امام عصر علیه السلام متوسل می‌شوند و در حال توسل و گریه و ناراحتی به خواب می‌روند و خواب می‌بینند: دیواری است به شکل نقشه ایران و این دیوار ترک برداشته و خم شده و در حال افتادن است. در زیر این دیوار، یک عده زن و بچه نشسته‌اند و دیوار دارد روی سر اینها خراب می‌شود.

مرحوم نائینی وقتی این صحنه را می‌بینند به قدری نگران می‌شوند که فریاد می‌زنند و می‌گویند که: خدایا! این وضع به کجا خواهد انجامید؟ در این حال می‌بینند که حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف آوردند و انگشت مبارکشان را به طرف دیواری که خم شده و در حال افتادن بود، گرفتند و آن را بلند کردند و دو مرتبه سر جایش قرار دادند و بعد فرمودند: «اینجا شیعه‌خانه ماست. می‌شکند، خم می‌شود، خطر هست، ولی ما نمی‌گذاریم سقوط کند. ما نگهش می‌داریم». (فرازهایی از تجلیات امام عصر علیه السلام، ص ۵۴؛ میرمهرا پورسیدآقای، ص ۲۵)

۱۶۹. لشکر فاطمیون نیروهای مدافع حرم اهل افغانستان هستند که علیه داعش در سوریه مبارزه می‌کنند. فاطمیون در اردیبهشت ۱۳۹۲ ش فعالیت خود را آغاز کردند. در حال حاضر تعداد نیروهای این لشکر به بیش از ۲۰ هزار نفر می‌رسد. حضور فاطمیون در سوریه حامل این پیام است که

برای دفاع از اسلام، مرزهای جغرافیایی معنایی ندارد. «همین قدر بدانید که بنده حقیر به شما افتخار می‌کنم». این جمله‌ای است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در جریان دیداری که نوروز سال ۱۳۹۶ در مشهد مقدس با خانواده‌های شهدای فاطمیون داشتند، خطاب به این خانواده‌ها بیان کردند. (همان)

۱۷۰. زینبیون یک گروه شبه نظامی طرفدار دولت در جنگ داخلی سوریه است. این گروه از شیعیان پاکستان تشکیل شده است. قبل از تشکیل این تیپ، پاکستانی‌های طرفدار دولت سوریه در تیپ فاطمیون به مبارزه می‌پرداختند اما با افزایش شمار آنها، یک تیپ جداگانه تشکیل دادند. وظیفه این گروه در ابتدا دفاع از حرم زینب کبری بود اما بعدها در جنگ حلب نیز وارد میدان شد. شهدای این گروه معمولاً در ایران به خاک سپرده می‌شوند. لشکر زینبیون به عنوان نیروی خط‌شکن بیشتر در سوریه فعالیت می‌کند. «زینبیون خیلی خوب می‌جنگند؛ خیلی خوب مجاهدت می‌کنند. سلام من را به پدرها و مادرها و خانواده‌هایشان برسانید». این جملات بخشی از سخنان مقام معظم رهبری خطاب به خانواده یکی از شهدای مدافع حرم در تاریخ ۱ آذر ۱۳۹۵ بود. از دیگر لشکرهای مبارز در سوریه «حیدریون» عراق و «حزب‌الله» لبنان هستند. (همان)

۱۷۱. فراز پنجم این منظومه و نیز برخی از ابیات از جمله آنچه که در مورد مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی و شهیدان؛ قاسم سلیمانی (البته بیت دوم: یا چو اکبر مصحفی...) و یار همراه او ابومهدی المهندس و یا شهید هسته‌ای محسن فخری زاده و یا... آمده، بعدها و پس از درگذشت یا شهادت آن عزیزان از باب ادای دین، به این مجموعه افزوده شد و این منظومه، مفتخر و متبرک به نام آن بزرگان گردید. اللهم ارزقنا الشهادة والحشر معهم، آمین آمین.